

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

موضوع :

خلاقیت در کودکان

بررسی نیازها و خصوصیات کودکان ۴ تا ۶ ساله
و طراحی مبلمان کار هنری برای آنان

مقدمه:

اگر بزرگسالانی خلاق و با قوه تخیل می‌خواهیم باید از سال‌های اولیه زندگی آنها برای این کار برنامه‌ریزی کنیم. ما کودکان را برای زندگی تربیت می‌کنیم و هر خصوصیتی را که در این سن در آنان تشویق کنیم با آنان می‌ماند. اگر خلاقیت و قوه تخیل آنان را تشویق نکنیم کودکان به بزرگسالانی خلاق بدل نمی‌شوند.

کار و فعالیت هنری کودکان در ایجاد فرصت‌هایی بمنظور ابراز خلاقیت اهمیت حیاتی دارد.

در نظر گرفتن تنوع وسایل و امکانات دار اتاق کودک به دلیل استفاده طولانی مدت از اهمیت بسیاری برخوردار است. کودکان به نقاشی و حجم‌سازی بسیار علاقه مندند و دوست دارند وسایلی را که در اختیار دارند رنگی کنند، مثل نقاشی کردن روی دیوارهای اتاقشان. گاهی این مسئله باعث ایجاد اضطراب و نگرانی در خانواده‌ها می‌شود: اما باید دقت کرد که کودکان را از انجام این کار نهی نکنیم و فضای لازم را برای انجام این کار برای او فراهم کنیم.

تحقیقات نمایانگر آن است که هوش و استعداد، خلق و خو و شخصیت، قدرت‌ها و مهارت‌ها در سال‌های اول زندگی شکل می‌گیرد. در مرحله بعدی، رشد انسان بیشتر در جهت کمی است تا کیفی. لذا هر قدر محیط زندگانی کودک غنی‌تر، سالم‌تر و آگاهانه‌تر باشد، هوش کودک بیشتر و رفتار او متعادل‌تر خواهد بود و در اینجا ضرورت استفاده از

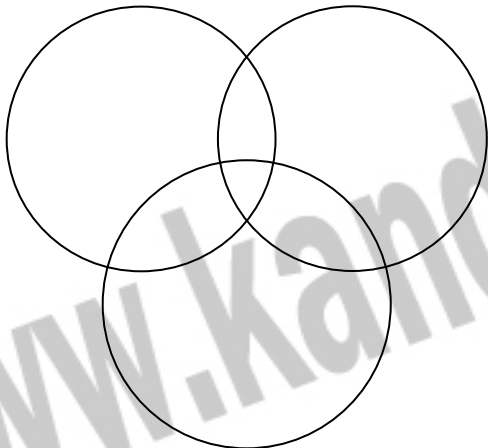
فضای کار و فعالیت مناسب که کودک را به سمت و سویی مناسب سوق دهد، ضروری
به نظر می‌رسد.

شناسایی مشکل:

کودکان ظروف خالی نیستند. آن‌ها عقاید و افکار و آرزوهای خود را برای آفریدن دارند.
مسئولیت ما این است که مهارت‌های فعلی کودکان و درک آن‌ها را رشد دهیم و با ایجاد
فرصت‌های تازه این مهارت‌ها را گسترده‌تر کنیم تا نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش آن‌ها در
زمینه تجارب گسترده و وسیع‌تر رشد کند.

برای کمک به کودکان در جهت نیل به خلاق‌ترین مرحله ممکن برای آن‌ها کافی نیست
مهارت‌ها را به آن‌ها آموزش دهیم یا فرصت‌هایی برایشان به وجود آوریم تا استعدادهايشان
را گسترش دهند. همچنین کافی نیست عادات خوب کارکردن را به آن‌ها بیاموزیم. باید
به آن‌ها کمک کنیم تا نقاطی را که علائق و مهارت‌هایشان منطبق می‌گردند یعنی محل
تقاطع خلاقیت خود را تشخیص دهند.

در این محل قلمرو مهارت‌های کودک و مهارت‌های تفکر خلاق وی بر روی علائق درونی
وی منطبق می‌شوند. این ترکیب پر قدرتی است زیرا جایی است که کودک به احتمال
بسیار زیاد خلاق خواهد بود.



کودکان به فضای کافی برای کار کردن و منابع در دسترس نیاز دارند تا بتوانند از تجاربی که به آنان ارائه می شود بیشترین بهره را ببرند. فضای خانه به دلیل مانوس بودن محیط آن برای کودک، در او احساس امنیت ایجاد می کند. از این رو در نظر گرفتن فضایی جهت انجام کارهای هنری، امکان رشد و پرورش خلاقیت و در عین حال ایجاد انگیزه و اشتیاق در کودک را فراهم می آورد.

کودکانی که دارای فضاها و وسایل شخصی هستند، کودکان تواناتر و با اعتماد به نفس بیشتری خواهند شد. آنها یاد می گیرند که وسیله مربوط به خودشان است و آنها هستند که از آن استفاده می کنند، پس می آموزند چطور با آن برخورد کنند و حتی چطور در حفظ و نگهداری آن بکوشند.

مبلمان کارهنری فضایی مناسب در اختیار کودک قرار می دهد که به راحتی به انجام فعالیت های خویش پردازد. در اختیار قرار گرفتن این فضا شخصی برای کودک حس استقلال طلبی را در او پرورش داده و باعث ایجاد نظم و ترتیب در امور شخصی او می شود.

در نتیجه طراحی مبلمان کار هنری باید به گونه ای باشد که در عین رعایت اصول ارگونومیکی، میل و رغبت به انجام فعالیت های هنری را نیز در کودک افزایش می دهد.
تعیین هدف:

جمله هدف: طراحی مبلمان کار هنری (نقاشی، حجم سازی و کاردستی) اتاق کودکان
پیش دبستانی.

شرح مسئله:

بررسی نیازها و خصوصیات کودکان ۴ تا ۶ ساله و طراحی مبلمان کار هنری برای آنان

احتیاجات:

- استفاده شخصی کودک

- تشویق به رعایت نظم و ترتیب در امور

- ایجاد حس رضایت و راحتی

- پرورش خلاقیت

محدودیت‌ها:

- محدودیت فضای قرارگیری: یکی از محدودیت‌ها، محدودیت فضایی است. این

محدودیت به علت شکل خانه‌های امروزی به وجود آمده است؛ خانه‌های کوچک با

اتاق‌های کوچک.

- اقتصادی بودن: بیشتر خانواده‌ها تمایل دارند محصولی را که برای فرزند خود

خریداری می‌کنند بتوانند به مدت طولانی‌تری استفاده کنند و این به دلیل هزینه اولیه‌ای

است که متقبل می‌شوند.

ویژگی‌های مورد نیاز:

- تطبیق با ابعاد بدنی کودک

- امکان دسترسی کودک به قسمت‌های مختلف مجموعه

- جلب توجه به سبب زیبایی و قابل قبول بودن طرح

- انصای حس مالکیت کودک

- تعدیل حس استقلال طلبی

تحلیل نیاز:

تسهیلات عامل بسیار مهم در پیشبرد برنامه کیفی کودکان است. باید محل کافی برای نگهداری کارهای هنری، ابزار و وسایل، کارهای ناتمام و ارائه نمونه موجود باشد. قطعاً برای بهبود نقاشی کودکان به ابزارهای انگیزش، کمک و تجزیه‌زا نیازمندیم و مسئولیت فعال نمودن این تجربه‌ها در قسمتی به عهده فضا و ابزار مناسب است. امتیاز مکاشفه در محصول:

مبلمان کارهنری امکان مکاشفه و لذت در نقاشی و همچنین افزایش امکان تخیل را به کودکان می‌دهد. در عین حال مسئولیت فعال نمودن جنبه هنری کودک را تا حدودی به عهده می‌گیرد. چنان چه این فضا هدفمند طراحی شود کودک را به اندازه کافی درگیر می‌نماید و فرصتهای گوناگونی را برای کشف، آزمایش، انتخاب، سازماندهی و احساس در کودک ایجاد می‌کند.

بررسی مقدار نیاز به محصول:

انسان هیچ گونه عملی را بدون احساس نیاز به آن انجام نخواهد داد ولی در بعضی موارد برخی از نیازها باید در شخصی ایجاد شده و یا به صورت یک امتیاز ویژه به شخص اهداء گردد. باید گفت که کودک با یک تکه کاغذ پاره یا دیوار خانه و یک مداد ساده نیاز نقاشی کردن خود را به هر نحو ممکن بیان می‌دارد و این نکته به نظر غیر قابل

کتمان می آید ولی محصول می تواند با توجه به هدفی خلاقه - آموزشی نوعی نیاز در شخص ایجاد کنند. کودک با این محصول ارتباط رفاهی و حسی برقرار می کند و محصول از جنبه تزئینی خود خارج شده و یکی از وسایل ضروری وی می گردد. هدف ایجاد نیاز در محصول:

برای پرورش استعداد های گوناگون کودک باید موقعیتهای فراهم آورد تا امکان خلق تفکرات و تمایلات عینی میسر گردد.

وقتی کودک امکان نقاشی کردن در حالت های مختلف و دسترسی به انواع ابزارهای مورد نیاز خود را دارد می تواند بیش از هر چیز از نقاشی و دیگر فعالیت های هنری خود لذت ببرد.

محصول می تواند ارزشی و احترام به کودک را تداعی نماید و لذت استفاده از محصول را در او ایجاد کند.

سلسله مراتب نیازهای کودک عبارتست از:

۱- نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک:

نیازهای جسمانی کودک عبارت از غذا و خواب است.

۲- نیازهای ایمنی:

حفظ کودک از عوامل محیطی مضر مانند بیماری، سرما و... جزء این نیاز محسوب می شود.

۳- نیازهای محب و احساس تعلق:

ایجاد ریشه در کودک چه به وسیله رفتار و چه به وسیله محیط، مثلاً طراحی یک اتاق آرامش بخش می تواند جزء این نیاز محسوب شود که باید حتماً برآورده شود.

۴- نیاز به احترام

ما می توانیم با طراحی محصولی مناسب، نیاز کودک را به احترام مورد نیاز خود برآورده سازیم.

۵- نیاز خود شکوفایی:

این نیاز در زبان هنری کودک خود را نشان می دهد. نیاز به دانستن و تجربه کردن کودک نیز در این مرتبه است. نیاز به فضای کار هنری بیشتر در نیازهای چهارم و پنجم کودکان می گنجد و نقش بسیار مهمی در این میان دارد.

رشد ذهنی کودکان:

رشد ذهنی کودک مراحل چندی را به شرح ذیل طی می کند:

۱- دوره نمایشی که چند ماه پس از تولد آغاز می شود و تا ۴ سالگی ادامه پیدا می کند.

در این دوره کودک منظور خود را از طریق نمادهایی مانند بازی و نقاشی بیان می کند.

۲- دوره تفکر مشهودی: ۴ تا ۷ سالگی، که در این دوره خود کودک از طریق حواس با

محیط ارتباط برقرار می کند و به سرگرمی های ملموس می پردازد.

۳- مرحله آمادگی: ۷ تا ۱۲ سالگی، این مرحله به نام دوره ملموس نیز خوانده می شود؛ یعنی دانسته های کودک در این سن بیشتر از طریق کاربرد و استفاده از وسایل کمک آموزشی صورت می گیرد.

۴- دوره تفکر منطقی: ۱۱ سالگی به بعد، در این مرحله کودک از لحاظ رشد ذهنی به مرحله ای رسیده است که می تواند رویدادها را بدون استفاده از وسایل آموزشی تجزیه و تحلیل کند.

نمودار رشد ذهنی کودکان



پرورش حواس کودکان:

کودکان زمانی می توانند مطالبی درباره محیط فیزیکی و اجتماعی خود فرا بگیرند که قادر باشند تجربه کنند، جست و جو کنند و نیز به کاوش مستمر در اطراف خود عادت کنند.

استفاده از حواس، اساس روند دانستن و شناختن است. کودک از طریق حواس پنجگانه یاد می‌گیرد. هر چه تجارب حسی کودک متنوع‌تر و وسیع‌تر باشد، پایه شکل‌گیری عقاید کودک درباره دنیای پیرامونش نیز گسترده‌تر خواهد شد. هر نوع محرومیت یا محدودیت حسی به تخریب یا کامل نشدن مفاهیم می‌انجامد.

یافته‌های تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کودک هر چه پیش از ورود به دبستان، در سال‌های حساس رشدش، بیشتر بشنود، ببندد، بچشد، ببوید، لمس کند و حس کند، درک بهتری خواهد داشت و اگر احساس و ادراک قوی باشد، به رشد شناختی می‌انجامد.

خلاقیت و سازندگی در سنین پیش دبستانی:

امروز شواهدی در دست است که بهترین زمان آموختن انواع دانستنیها و تحریک توانایی‌های اساسی در کودک، دوران اولین شش ساله زندگی، قبل از رفتن به دبستان است.

برخلاف نظریه‌های سابق، هوش کودک و میزان رشد آن ثابت نیست. سطح هوش او برحسب محیطی که در آن زندگی می‌کند به خصوص در ۶ سال اول زندگی می‌تواند رشد کند و یا پایین برود و افزایش یا تقلیل هوش در نتیجه وجود یا عدم وجود محرک و محیط است. یکی از بهترین راه‌های ارتقای سطح هوش و استعداد، پی بردن به بهترین وجه تحریک پذیری حواس کودکان است.

هر چه طفل کوچکتر باشد، محیط اطراف در او اثر بیشتری دارد و می‌تواند خصوصیات روحی از جمله سطح هوش و استعداد وی را بیشتر تغییر دهد.

تمام کودکان قبل از دبستان، دارای استعداد سازندگی به عالیترین حد خود می باشند. طبق تحقیقات به عمل آمده به احتمال زیاد این استعدادها با تنبیه و دلسردی روبه رو می گردد. اطفال پس از رسیدن به دوره عالی، تازه پاسخ قسمت کوچکی از استعدادهای خود را به دست می آورند.

سازندگی را مربوط به قسمتهای متعدد هوش، همچنین قسمت معینی از اجزای ترکیب دهنده هوش می دانند.

در سالهای اخیر متخصصان به خصوص به استعداد سازندگی کودکان بیشتر علاقه مند شده و این استعداد را هسته اصلی نبوغ می دانند و افراد دارای این خصوصیات سهم بیشتری در سازندگی دنیا دارند. سازندگی شامل همه نوع افکار ماجراجویانه و حادثه آفرینی در تمام رشته ها، اکتشافات عملی، اختراعات، تصورات، کنجکاوی و تحقیقات و ... می باشد. سازندگی عبارت است از قدرت به عمل در آوردن تفکر، دیدن ارتباطات تازه و غیر منتظره بین اجسام و پیدا کردن جوابهای تازه برای مسائل و سئوالات جدیدی که افراد را به تعمق و جست و جوی جوابهای آنها وا دارد.

یک کودک سازنده و خلاق و با استعداد، لازم نیست که حتماً دارای هوش بهتر خیلی بالا باشد. اکثر محققان در مورد سازندگی به نکات زیر توجه و اشاره می نمایند:

- ۱) تقریباً تمام کودکان مقدار قابل ملاحظه ای از این توانایی را در خود دارند.
- ۲) سازندگی ممکن است در نتیجه تشویق، دست دادن موقعیت های مناسب و آموزش افزایش یابد.

۳) ممکن است انواع نامناسب آموزش موجب کند شدن یا محو این توانایی در کودک گردد.

بسیار مهم است که والدین درک کنند چگونه سازندگی و خلاقیت را در کودکان کوچک خود به وجود آورند. زیرا جوانه‌های ظریف سازندگی اطفال تقریباً از بدو تولد نیاز به تشویق و هدایت دارند. کودک باید از طریق احساس، مشکلات و مسائل تکامی یافته، حدس بزند، مشکلات را آزموده و اصلاح کند و به طریق ناقصی که خود می‌داند آنها را به هم مربوط نماید. فعالیت سازندگی کودک در ۳ سالگی افزایش می‌یابد، در ۴ سالگی به حداکثر خود می‌رسد، در ۵ سالگی و همزمان ورود به کودکستان احساس می‌شود که ناگهان سقوط می‌کند که شاید بر اثر فشار مربی و آموزگار و همکلاسی‌ها پیش می‌آید و مجدداً به آهستگی در کلاسهای اول و دوم و سوم بالا می‌رود تا آنکه در سال چهارم دبستان شدیداً سقوط می‌کند.

یک کودک سازنده با جواب سطحی قانع نمی‌شود، به خصوص او به جوابهایی که نمی‌تواند با دانسته‌های وی در مورد سؤال طرح شده ارتباط پیدا کند، حساسیت دارد (برون سازی). در مورد آنچه که می‌بیند، می‌شنود، لمس و تجربه می‌کند حساس است. او از دانستن دقیق کلمه صحیح برای یک شیء یا احساس یا رنگ لذت می‌برد و از شرکت با افراد بالغ در این مشاهدات شاد می‌شود.

از آنجا که حساسیت در بخش مؤنث شدت بیشتری دارد، پسری که از قدرت سازندگی و خلاقیت بالا برخوردار است کمتر از دوستان دیگرش طبع مردانگی دارد. افکار مختلف

مانند جرقه از مغز کودک تراوش می کند که بعضی از آنها به نظر احمقانه و بعضی دیگر به نسبت سن وی جالب است. یک کودک خلاق غالباً جوابهای غیرعادی به سئوالات می دهد و راه حل های غیر معمول برای مسائل پیشنهاد می کند. او موارد استعمال غیر منتظره، برای اشیا به دست می آورد.

یک کودک سازنده و خلاق سعی در انجام کارهای مشکل دارد و به عوض اینکه به فکر شکست خود بیفتد، مبارزه را می پذیرد. دقت و تأمل او در کارها زیادتر از مقتضیات سنی اوست. نرمش و انعطاف غیرعادی علامت دیگر یک کودک خلاق است و در مقایسه با دیگران و دیگر همسن های خودش با تدبیرتر، تودارتر، از خود راضی تر، سرسخت تر و ساعی و محکم تر است. به دلیل استقلال فکری، کودک خلاق اغلب با معلمان کودکان، مهد و والدین خود در بحث، گفت و گو و حتی مشاجره است. و باز به دلیل همین استقلال، او قوانین غیرلازم و کنترل کننده را رد می کند و ترجیح می دهد شخصاً روی طرح و پروژه های که در نظر دارد کار کند.

با تحریک کودک به دیدن، شنیدن، لمس کردن، دستکاری کردن، کشف نمودن و انجام آزمایش می توان خلاقیت را در او افزایش داد. والدین می باید با شادی و خرمی با کودک صحبت کنند و خیلی جدی به حرفهای او گوش دهند.

شعف خو را از موفقیت کودک نشان دهند و کنجکاوی ذاتی وی را تحسین کنند.

به هیچ وجه نباید به نظر کودکان با دیده تحقیر نگریست. بلکه باید به آنها بها داد و کمک نمود تا وجه بالنده و صحیح آن را خود کودک درک کند. فرصت انتخاب و تصمیم گیری به آنها داد و کودکان را در امور مربوط به خود و حتی خانه طرف مشورت قرار داد. باید کودک را تشویق نمود تا به محیط خود وجه بیشتری معطوف نماید. در مورد آن سؤال کند و آن را بیازماید. فعالیت های علمی موقعیت های مناسبی است تا کودک مطلع شود که تمام تجربیات و آزمایشها منجر به موفقیت نمی شود و عدم موفقیت در یک تجربه نیز به معنی شکست نیست. برای خیلی از والدین مشکل است قبول کنند که فرزند، خودش چیزی را بیاموزد و یا حتی خودش به تنهایی و مستقلاً کارهایش را انجام دهد و برای حفظ او از تجربه شکست به او کمک می کنند که استقلال بعدی او را به مخاطره می اندازد.

البته مهم است که در صورت لزوم به خصوص در موارد جسمی از شکست فرزند جلوگیری شود، ولی تاکید زیاد در موارد اجتناب پذیر شکست به فرزند آسیب بیشتری وارد می کند.

نباید منتظر بود تا پس از مشاهده علایم آمادگی در کودک، کاری را به او بسپاریم. زیرا خلاقیت او آسیب می بیند. آمادگی به مفهوم سستی اغلب موجب عقب نگاه داشتن کودک است. منع نمودن فرزند از انجام کاری از بیم شکست، بزرگترین مانع رشد خلاقیت در اوان طفولیت می باشد. توانایی مقابله با شکست و بی نتیجه ماندن کاری که شروع می شود از خصوصیات تمام افراد فوق العاده می باشد.

تجربه کردن را باید در کودک افزایش داد. آیا کودک مکان خلوتی در اختیار دارد که هر وقت بخواهد از گروه خانواده جدا شده و به کارهای مربوط به خود پردازد؟ مهد کودک و کودکان اغلب چنین مکانی ندارند. فکر و ایده خوب همیشه در مغز شخص منفرد و تنها به وجود می آید. هنگامی که کودک به تنهایی کار می کند باید او را تشویق کرد، او را تحریک کرد تا نظر خود را دنبال کند. اغلب اختراعات خوب از آن جایی که مخترع آن ها به خودش اعتماد ندارد و یا این که نمی تواند خودش را کنترل کند از دست می روند.

اگر کودک حکایت هایی را از خود ساخت یا بازی های فوق العاده خیالی با تقلیدی را ترتیب داد جای نگرانی ندارد، که این خود قسمتی از مراحل رشد کودک است. برای اینکه کودک فرد سازنده و خلاق باشد، نیاز به وسایل مختلف از قبیلی مداد، کاغذ، چوب، اره، قیچی، سطل شنی، رنگ، سنگ، خاک و ... دارد. باید مقرراتی وضع نمود که پی از پایان کار، کودک نظافت کند و با مرتب کردن وسایل، محل بازی خود را به صورت اولیه درآورد. نباید از کثیف شدن محل کار یا دست و صورت بچه ناراحت شد. همان طور که تعجب و شادی از فعالیت کودک تشویق کننده و سازنده است بی تفاوتی نسبت به اعمال و رفتار و گفته های کودک خوب و ضد خلاقیت است. تحریک کودک به کار کردن با مواد هنری و صنعتی. موجب رشد حساسیت، ابتکار، انعطاف و قدرت تخیل وی در تمام رشته ها می گردد.

بسیار مهم است قبل از آنکه کودک کلاس او را شروع کند و به مدرسه برود، قدرت سازندگی در وی به وجود آید. چه در صورت وجود معلمی آشنا با این مسائل، تعداد زیاد شاگردان مانع رسیدگی جدی به آنان در این زمینه می باشد و فشار آموزگار و همکلاسی ها و مقررات محیط آموزشی این فرصت را از کودک می گیرد و به هر شکل مقررات آموزگار در این زمینه هیچ گاه مانند والدین نخواهد بود. سالهای بین ۳ و ۶ سالگی زمانی است که مغز در حال رشد کودک بیش از همیشه می تواند به آسانی و شادمانی مطالب را جذب کند.

اغلب تصور می شود که هنر یک موضوع جنبی برای کودکان است، در صورتی که هنر اهمیت بسیار زیادی در یادگیری کودک برای فرآیندهای خواندن و نوشتن و انجام ریاضیات دارد، به طوری که شخص ممکن است در محیط اجتماعی وظایفی را به عنوان یک فرد بزرگسال یاد بگیرد. البته بحث بر سر این است که هنر نه تنها جهت رشد کودکان اهمیت دارد بلکه ضروری و اساسی نیز هست.

وقتی یک طرح هنری به کودکان نمایش داده می شود نخستین عکس العمل بعضی از آنها همیشه این است که "من نمی توانم آن را انجام دهم". آنان حس نمی کنند که قادر به یافتن و داشتن چیزهای با ارزش باشند. برخی از آنها در زندگیشان کاری نکرده اند و بسیاری از مواقع شکست خورده اند. وقوف بر چنین موضوعی از جهت تقویت اعتماد به نفس در این بچه ها برای تغییر احساس من نمی توانم به می توانم خیلی مهم است.

دلیل آنکه این بچه ها می گویند من نمی توانم این کار را انجام دهم معمولاً به خاطر ضعف در بکارگیری از مهارتهای دست سازشان است. مهارتهای دست ساز در هنر، عامل خلق محصولات هنری است و بنابراین محرک بزرگی در پیشرفت می باشد. به علاوه موجب شادمانی کودک گشته، وی را به پیش می راند. اگر چه فرو بردن یک قلم مو در قوطی رنگ، نیاز به تطابق و هماهنگی دارد، با این حال نقاشی نوعی سرگرمی است که می تواند باعث خلق آثار زیبا شود.

در فراگیری هنر، یک کودک می برد، جدا می کند، می چسباند، رسم می کند، می سازد، موازنه می کند، رنگ می زند و قلم، مداد شمعی، قلم مو و غیره را در دست نگه می دارد و در تمام مدت، این مهارتها پرورش می یابند. بچه ها در خلال فعالیت هنری، مدام در حال یادگیری هستند.

هر گونه پیشرفتی در زمینه مهارتهای زبانی منبع بسیار با ارزش برای آنان محسوب می شود. آنها در این روند مفاهیمی نظیر بزرگ و کوچک، بالا و پایین، رو و زیر و درست و واژگون را می آموزند، تطابق و هماهنگی ماهیچه های دست برای نوشتن شرط لازم است و همه فعالیت های هنری به توسعه آن کمک می کنند. علاوه بر آن، آنها در اجرای خیلی از طرحهای هنری مطالب زیادی درباره بدن خود یاد می گیرند، که این اطلاعات مربوط به بدن، زمینه پیشرفت زیادی را برای کودکان فراهم می کند.

اهداف آموزش هنر به کودکان بدین قرار است:

۱- تقویت اعتماد به نفس

۲- پیشرفت دادن مهارتهای دسته ساز

۳- افزایش معلومات

۴- لذت بخش بودن برای کودک

پرورش خلاقیت از طریق هنر

امروز همه متخصصان تعلیم و تربیت اذعان دارند زمانی یادگیری به بهترین نحو انجام

می گیرد که توام با عمل باشد. هنر و فعالیت های هنری بهترین فرصت را برای یادگیری

بهتر فراهم می آورد. هنر نه تنها منجر به یادگیری عمیق تر می گردد، بلکه در ایجاد خود

پنداره مثبت در افراد و افزایش توانایی قدرت تخیل و خلاقیت در آن ها موثر است.

اولین بار افلاطون درباره " آموزش از طریق هنر " سخن گفت و طرح داد. یونانیان اعتقاد

داشتند تنها عاملی که می تواند سبب سازش درونی و اجتماعی انسان ها شود، هنر است.

به گفته افلاطون حساسیت هنری زیر بنای تعادل روانی است. امروز " آموزش از طریق

هنر " طرف داران خاص خود را دارد (مندکا ۱۹۹۶).

هنر یک فرد از طریق احساسات هنری او بروز می کند. یک اثر هنری که ترکیبی از

مضمون، شکل و بیان است، کلبه ابعاد روحی و روانی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد.

ارتباط مستقیم با هنر دامنه ادراک را گسترش داده، تخیلات را پربارتر و به روند ترکیبی

و تحلیلی ذهن عمق می بخشد.

مضمون یک اثر هنری، هنجارهای اخلاقی، نگرش و حساسیت های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. هنر می تواند نیازهای کودکی را که نسبت به زندگی روزمره خود بی تفاوت شده است. برآورده کند.

هنر انسان را قادر به درک علت و معلول کرده و علت و معلول را طوری آسان جلوه می دهد که انسان با مشاهده آن احساساتش را بروز می دهد. هنر به انسان اجازه می دهد نمایش زندگی را حس کرده و آینده خود را در آن بیابد. همه افراد به وسیله حواس هنری می توانند به طور صحیح آموزش ببینند. تحلیل بحث هنر بر روی انسان حائز اهمیت است. پیشرفت انسان در پذیرش و خلق آثار هنری است. روان شناسان بر ویژگی های مشترک افراد مختلف در زمینه مهارتهای هنری تاکید می کنند. وقتی افراد چیزی را خلق می کنند، از شم هنری، تفکرات واگرا و توانایی بیانی خود استفاده می کنند و بدین ترتیب به طور طبیعی احساسات و تفکرات خود را به دیگران منتقل می کنند. این ویژگی ها جنبه های متفاوتی از فعالیت های هنری را تشکیل می دهند و به طور خود جوش در تفریحات و بازی های دوران کودکی بروز می کنند. اما تحت تاثیر آموزش هم نوایی به جای آموزش فعال، توسعه فعالیت های هنری به سرعت از بین می روند.

انجام کارهای هنری از جوانب مختلف، موجب افزایش خلاقیت کودکان می شود. برخی از نتایج این مساله عبارتند از:

- کودکان در جریان آشنا شدن با دنیای هنر، بر وسعت تجربیات خود می افزایند.

- کودکان در روند انجام کارهای هنری مجبور به اتخاذ تصمیم های مختلفی می شوند و

این امر جریان تصمیم گیری را برای آن ها به صورت امری ساده در می آورد.

- آشنایی با حل مساله یکی دیگر از تبعات انجام دادن کارهای هنری توسط کودکان

است. مهارت یابی در حل مساله به آن ها کمک می کند تا مسایل ذهنی و فیزیکی

خودشان را ساده تر حل کنند.

- کودکان در روند آشنایی با رشته های مختلف هنری از تفکر تخیلی بهتری برخوردار

خواهند شد.

بر اساس ماده ۳۱ اعلامیه حقوق بشر خلاقیت و تخیل با هنر مرتبط است. بر اساس این

ماده از اعلامیه، هنر عبارت است از: گستره بیان "خود" به نحوی خلاق و تخیلی، توسط

همه مردم، از فرهنگ ها، طبقات و سنین مختلف.

در برنامه های هنری باید این امکانات در اختیار کودکان قرار گیرد تا فرصت رشد

خلاقیت در کودکان فراهم گردد:

- باید این امکان را داشته باشند که به مفاهیم، روش ها یا برداشت ها واکنش نشان

دهند.

- واکنش، آن چه را تجربه، مشاهده یا تصور شده تثبیت کنند.

- منابع را به منظور برانگیختن و ایجاد مفاهیم جمع آوری کنند.

- بتوانند تفاوت ها و شباهت ها را تشخیص دهند.

- ابزار و تکنیک ها را بیازمایند.

فعالیت هنری:

کودک با دستهای خود به انجام و پدید آوردن چیزها می پردازد و به احساسات و اندیشه های خود شکل خارجی می دهد، که این را بیان تجسمی به کمک دستها می گویند و فعالیت هایی که از این طریق انجام می شود فعالیت هنری نامند.

تجارب دو بعدی و سه بعدی و امکاناتی که برای یادگیری فراهم می شود:

معمولاً تجارب دو و سه بعدی هنرهای تجسمی نامیده می شود. تجارب دو بعدی این

موارد را در بر می گیرد:

□ طراحی - تعیین شکل ها و پدیده ها با خط

□ نقاشی - تعیین فضاهای سطوح رنگ

□ چاپ - نشانه گذاری با چاپ

□ منسوجات - ایجاد سطوح پاچه ای و بافته ای

□ عکاسی - ایجاد تصویر به کمک اثر شیمیایی نور روی فیلم

بازنمایی های سه بعدی این موارد را در بر می گیرد:

□ ساختن - شکل دادن با جور کردن قطعات با یکدیگر

□ مجسمه سازی - شکل دادن با قلم زنی و تراشیدن

□ قالب سازی - کار کردن با مواد پلاستیکی و شکل دادن به آن

این گونه بازنمایی ها امکاناتی برای بازنمایی با استفاده از این عناصر هنر ایجاد می کند:

□ الگو - تکرار شکل، رنگ، نور

- بافت - ویژگی ها یا کیفیت سطح
 - رنگ - (ویژگی رنگ، مثلاً قرمز، نارنجی)، شدت رنگ، اشباع، درخشندگی، رنگ های اصلی (قرمز، زرد، آبی) رنگ های فرعی (ترکیبی از رنگ های اصلی - نارنجی، سبز و بنفش)
 - خط - نشانه - خط، باریکه خط، خط تیره
 - تونالیت - روشنی یا تیرگی، سایه
 - شکل - طرح
 - شکل - تجربه سه بعدی شکل
 - فضا - فاصله بین شکل ها
- رشد بازنمایی دو بعدی
- کودکان از زمان تولد در معرض تصور جسمی قرار دارند. آن ها در تصورات دیگران احاطه شده اند. توانایی کودکان در بازنمایی دو بعدی را گاهی صرفاً حرکت از تصورات غیر بازنمایی (مثل نقاشی هایی که شبیه به آن چیزی نیست که قرار است بازنمایی شود، دست کم از دید بزرگسالان) به سمت تصورات بازنمایی (نقاشی ها و تصاویری که شبیه آن چیزی است که قرار است بازنمایی شود) می دانند. پیاژه (۱۹۵۱) مراحل این فرایند را چنین شناسایی می کند:
- ۱- واقع گرایی تصادفی: کودکان به شباهت های بین خطوط اتفاقی که کشیده اند و آنچه دیده اند توجه می کنند.

۲- واقع گرایی ذهنی: کودکان آنچه را می دانند بازنمایی می کنند نه آنچه را دیده اند.
۳- واقع گرایی تجسمی: کودکان آنچه را می بینند بازنمایی می کنند نه آنچه را می دانند.
ماتیوز رشد بازنمایی دو بعدی را به عنوان فرآیندی به مراتب پیچیده تر می داند و معتقد است واقع گرایی تجسمی از مرحله اولیه ظاهر می شود (ماتیوز، ۱۹۹۴). بازنمایی های اولیه کودکان بسیار هدفمندتر از آن چیزی است که در نظریه پایزه مطرح است. برای مثال، آن ها نشان می دهند که نوعی آگاهی از ترکیب بندی دارند به این نحو که خطوط تازه ای می کشند که با خطوط موجود ارتباط دارد. کودکان با چنین کاری نشان می دهند که از آرایش خطوط و فضای بین آن ها آگاهی دارند.

تصاویری که کودکان می کشند نه تنها عکسبرداری دقیق از شیء است، بلکه حرکات و خصوصیات اشیاء را نیز در بر می گیرد (ماتیوز، ۱۹۹۴). از این رو، برای مثال، کودکی ممکن است خطوطی را به صورت خط خطی در کنار ماشینی که کشیده است بکشد و بگوید این ماشین خیلی خیلی تند می رود.

بازنمایی های اولیه با آگاهی فزاینده کودکان از اعمال و حرکات جسمانی خود ارتباط نزدیکی دارد. در تصاویر کودکان ممکن است بر بازنمایی جنبه ها و دیدگاه های مختلفی تمرکز کنند.

- جنبه های ترکیبی که با فضا سرو کار دارد.
- جنبه های پویا با عمل سر و کار دارد.
- دیدگاه های خاص - از دیدگاه خاصی کشیده شده است.

□ مشخصه شیء - با جنبه های اصلی شیء سر و کار دارد.

یک بازنمایی واحد ممکن است شامل یک یا ترکیبی از فهرست بالا باشد، عوامل تعیین کننده این است که کدام جنبه از شیء، تجربه، احساس یا مفهوم برای کودک مهم است. رشد طراحی

طراحی مشاهدات کودک را از جهان هدایت می کند (ماتیوز، ۱۹۹۴).

کودکان از زمان تولد به طرح علاقه دارند و جذب آن خطوطی می شوند که تضاد مشخص تیرگی و روشنایی را نشان می دهند و با خصوصیات چهره انسان ارتباط دارد.

دیده ایم که کودکان به وقت غذا خوردن و نوشیدن انگشتان خود را روی نمی خورده

خود که در اطرافشان می ریزد میگذارند و با آن خطوطی می کشند. همین پایه ای می

شود برای طراحی کودک در صورتی که مواد لازم طراحی در اختیارش گذاشته شود.

ماتیوز این مراحل اولیه را که گاهش مرحله خط خطی کردن نامیده به مرحله غان و غون

کردن از رشد زبان ربط می دهد. طراحی اولیه، مانند زبان اولیه کاوشی در قواعد است.

خطوطی که کودکان در این مرحله می کشند منعکس کننده سه حرکت اصلی بازوست.

۱- کمان عمودی: کودک با حرکتی که به مداد می دهد از بالا به پایین خطی دایره وار می کشد.

۲- کمان افقی: کودک با حرکتی چتری شکل مداد را روی کاغذ حرکت می دهد.

۳- فشار دادن و هل دادن: حرکت چنگ زدن و رسیدن.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

کودکان از همین خطوط و حرکات شروع می کنند و به مرحله کشیدن خط ممتد می
رسند که بعدها برای کشیدن یک شکل بسته به کار می رود. برای نشان دادن درون و
بیرون فضایی ایجاد می کنند. شکل بسته بر حسب میل کودک معانی مختلفی خواهد
داشت.

شکل ها و طرح هایی که کودکان در طراحی های خود به کار می برند ابتدا برای آنان
جنبه شخصی دارد و بعدها تصاویری می کشند که می توانند از طریق آن با دیگران
ارتباط برقرار کنند و احساسات و عقاید خود را نشان دهند. نقاشی کودکان در طول رشد
جزئیات بیش تری خواهد داشت و کنترل بیش تری روی نقاشیشان دارند. این نکته
سبب می شود که بتوانند اشکالی را که می بینند روی صفحه کاغذ بیاورند.

جدول رشد طراحی

کودکان:	
تولد تا یک سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ از اعمال و حرکات با همه بدن تقلید می کنند. □ از الگوهایی که تضادهای شدید دارند و شبیه چهره انسانند آگاهند. □ خطوطی می کشند. برای مثال با انگشت یا دست غذا را روی سطوح می کشند تا خطوطی ایجاد شود. □ آگاهند که با حرکت دادن دست و انگشت روی سطوح خطوطی ایجاد می شود.
یک تا دو سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ خطوط متنوعی می کشند، گاهی خط خطی می کنند. □ می دانند که حرکات مختلف منجر به ایجاد خطوط مختلف می شود. □ با کف دست مداد را در دستشان می گیرند. □ خطوطی می کشند که با هم همپوشی دارند.
دو تا سه سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ برای گرفتن مواد گرافیک از پنس استفاده می کنند. □ برای بازنمایی درون و بیرون خط ممتد و شکل بسته می کشند. □ اشکال و خطوط را با هم ترکیب می کنند. □ اشکال جداگانه ولی مرتبط با هم می کشند.
سه تا چهار سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ خطوط را نام می برند و بازنمایی نمادی بروز می کند. □ با استفاده از مواد گرافیک، ابزارها و سطوح مختلف خطوط مختلفی می کشند. □ بدون کمک دیگران خط و دایره می کشند که نمایانگر آدم است و غالباً به آن آدم قورباغه ای می گویند. □ به تدریج شروع به ایجاد روایت های بصری می کند.

ادامه جدول رشد طراحی

کودکان:	
چهار تا پنج سالگی	<ul style="list-style-type: none">□ قادرند اشکال مختلفی بسازند و گاهی آن ها را با هم ترکیب کنند. برای مثال خورشید بکشند.□ اشکالی می کشند که به نظر می رسد روی صفحه کاغذ در حال پروازند.□ اشکالی می کشند که جزئیات بیش تری دارد مثل، بازو، ران، دست، انگشتان، ابرو.□ برای نشان دادن بالاتر و پایین تر فضا را به اجزای کوچک تری تقسیم می کنند.
شش سالگی	<ul style="list-style-type: none">□ با خطوط زمین و آسمان می کشند.□ برای نشان دادن عمق اشکالی را کوچک تر می کشند تا دور بودن آن را نشان دهند.□ در طراحی خود جزئیات بیش تری را نشان می دهند. برای مثال، پنجره، در و دودکش بالای ساختمان.□ در طراحی ها جنبه روایتگری بیش تر می شود، برای مثال ممکن است یک طراحی در برگیرنده قسمت های مختلف یک داستان باشد.

رشد نقاشی

نقاشی به ما این امکان را می دهد که در نور و رنگ کاوش کنیم. رنگ در همه ما تاثیر می گذارد و در زبانی که به کار می بریم منعکس است. مثلاً می گوییم از خشم سیاه شده بود، یا از خجالت سرخ شدن. استفاده از رنگ به کودکان این امکان را می دهد که بتوانند اطلاعاتی را که می دهند از طریق نقاشی هایشان بزرگ جلوه دهند. در هنگام

تولد کودکان می توانند روشن و تیره را از هم تمیز دهند و درکی از رنگ داشته باشند به خصوص رنگ های روشن مثل قرمز.

اولین تجربه های کودک با نقاشی با ویژگی های لمس کردنی و توانایی در فشردن و دستکاری رنگ غلیظ و کیفیت سیال بودن رنگ دقیق سر و کار دارد. این کاوش ها اهمیت بسیاری دارد چون در این دوران رنگ ها را می آموزند و روش های به کار بردن رنگ را درک می کنند. کودکان همین که این مهارت ها را آموختند می توانند آن را برای مقاصد خود به کار برند. بعدها کودکان می فهمند که می توانند با رنگ سطوح را بپوشانند، رنگ ها را مخلوط و همپوش کنند. ماتیوز معتقد است که علاقه کودکان به لایه لایه کردن رنگ از تلاش های اولیه آنان در کشیدن طرح سه بعدی ناشی می شود (ماتیوز، ۱۹۹۴). همچنان که مهارتهای فنی کودکان افزایش می یابد می توانند تکه های رنگ را کنار هم قرار دهند و جلوه های چند تکه ای ایجاد کنند. رنگ را در ضمن به صورت خطی برای طراحی به کار می برند. توانایی کار کردن با رنگ و طراحی دقیق به تدریج با هم همراه می شود و کودکان می توانند با استفاده از نقاشی تصاویری خلق کنند که خصوصیات منحصر به فرد خود را دارد.

علاقه به مخلوط کردن رنگ، از مراحل اولیه رشد در کودکان وجود دارد و کودکان نیاز دارند که این مهارت ها را تمرین کنند. همچنان که مهارت های مخلوط کردن در آن ها افزایش می یابد باید این امکان را داشته باشند که بر اساس آنچه می بینند رنگ های دلخواهشان را مخلوط کنند.

برنامه های نقاشی با کامپیوتر به تجربه های آنان می افزاید و برایشان مفید خواهد بود.
کودکان به سرعت می آموزند که زاویه نقاشی و سطح نقاشی با هم فرق می کند. صفحه ممکن است فقط بخشی از حرکت نقاشی را نشان دهد. در ضمن به سرعت تشخیص می دهند که اصلاً امکان ندارد که رنگ مخلوط و سرازیر شود.

رشد نقاشی

کودکان:	
تولد تا یک سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ با استفاده از همه حس های خود جنس را کاوش می کنند. برای مثال، جنس غذا. □ از رنگ و روشنایی به خصوص رنگ های روشن و واضح مثال قرمز آگاهند.
یک تا دو سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ با استفاده از پا، دست ها و دهان جنس رنگ را کاوش می کنند. □ با استفاده از دست، پا و انگشتان رنگ را روی سطوح دستکاری می کنند. □ از رنگ در محیط خود آگاهند. □ با استفاده از رنگ عمداً خطوطی می کشند.
دو تا سه سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ با استفاده از رنگ خطوط جداگانه می کشند. □ رنگ اشیاء را می پرسند و بعضی از رنگ ها را می شناسند. □ می تواند رنگ ها را طبقه بندی و جفت و جور کند.
سه تا چهار سالگی	<ul style="list-style-type: none"> □ رنگ های اصلی را می شناسند. □ به مخلوط کردن رنگ ها علاقه مندند. □ قلم موها و سطوح مختلف را می آزمایشند و از این کار لذت می برند. □ با استفاده از قلم مو تکه های جداگانه و همپوش رنگ را به

کار می برند.	
□ می توانند سایه های رنگ را با هم محور کنند.	
□ می توانند رنگ های فرعی را نام ببرند.	چهار تا پنج سالگی
□ می توانند رنگ ها را با هم ترکیب کنند و می دانند که اضافه کردن رنگ سفید باعث روشن شدن رنگ و رنگ سیاه باعث تیره شدن رنگ می شود.	
کودکان:	
□ با استفاده از رنگ، اشکال و طرح های نماید می کشند.	چهار تا پنج سالگی
□ مقاصد و پیشنهادهای خود را در مورد نتیجه کار نقاشی خود توضیح می دهند.	
□ رنگ های به کار رفته در نقاشی را با رنگ های واقعی اشیاء جفت و جور می کنند.	
□ در نقاشی هایشان جزئیات ظریف دیده می شود.	شش سالگی
□ می توانند رنگ های مختلف را به دقت به کار برند.	
□ به دقت جاهای کوچکی را رنگ می کنند.	
□ رنگ ها را به دقت در کنار هم قرار می دهند.	

مشخصات نقاشی خوب برای کودکان:

۱- کودک باید از نقاشی خود لذت ببرد.

۲- کودک باید تنوع روزمره را در نقاشی خود حس کند.

۳- کودک باید به ابزار کار خود مسلط باشد.

۴- در اختیار گذاشتن مدل نقاشی اکیداً ممنوع است. در محصول مورد نظر نباید طرح ها

و نقوش محصول، مدل برای کپی کردن محسوب شود.

۵- کودک تواند به طور مستقل کار کند.

۶- وسایل مختلف و متفاوت در اختیار کودک باشد.

نقش نقاشی در پرورش خلاقیت کودکان:

کودکان معمولاً به طراحی و نقاشی علاقمندند، لذا از این رشته هنری می توان بهره

زیادی در برانگیختن خلاقیت آن ها بود. شکل و طراحی هایی

که کودکان در طراحی خود به کار می برند، در آغاز برای آن ها جنبه شخصی دارد اما به

تدریج تصاویری می کشند که از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می نمایند، نقاشی به

کودکان امکان کاوش در رنگ و نور داده، مشاهدات کودک را از جهان هدایت می کند.

ویژگی جاندار پنداری اشیاء توسط کودکان باعث می شود در نقاشی خطوط و اشکال را

جاندار حس کرده و با آن ارتباط عاطفی برقرار نمایند و احساسات خویش را نشان دهد.

با استفاده مناسب از هنر نقاشی می توان تفکر خلاق در کودکان را توسعه داد.

از نقاشی می توان به صورت های مختلفی استفاده نمود و به پرورش خلاقیت در

کودکان پرداخت:

۱- نقاشی گروهی: کودکان با کمک یک دیگر نقاشی واحدی را بکشند.

۲- نقاشی نیمه تمام: تیمی از نقاشی ترسیم شده را به عهده کودک گذاشت.

۳- قصه گویی برای نقاشی: کودکان پس از شنیدن قطعه ای موسیقی و حس کردن آن

به نقاشی آن پردازند.

۴- حل مساله برای نقاشی: مساله ای را طرح کرده و از کودک بخواهیم در مورد آن

نقاشی بکشد.

۵- تلفیق موسیقی و نقاشی: کودکان پس از شنیدن قطعه ای موسیقی و حس کردن آن به نقاشی آن پردازند.

۶- نقاشی رنگی بدون رنگ: از کودکان بخواهیم بدون استفاده از وسایل رنگ آمیزی معمول مانند آبرنگ، ماژیک و گواش به کشیدن نقاشی پردازند. رنگ های طبیعی مانند رنگ های گیاهی یا کولاژهای مختلف از کاغذ، چوب و بسیاری از مواد دیگر، جایگزین های مناسبی در این زمینه هستند.

۷- نقاشی از خواب و رویاهای خانواده: نقاشی از موضوعاتی مانند آروزها، خواب ها یا ترسیم خانواده برای کودکان نه تنها تخیل برانگیزنده است بلکه می توان از آن در تشخیص و درمان مشکلات رفتاری بهره برد.

حساس شدن به ارزش های هنری منجر به لذت بردن از زیبایی های حسی و فکری، غنی تر شدن و تنوع دنیا تخیلی کودکان می گردد.
چرا کودکان نقاشی می کنند:

با توجه به مطالب قبلی، در دوره اول یا دوره نمایشی که تا چهار سالگی ادامه پیدا می کند کودک از نقاشی به عنوان وسیله ای برای بیان خواسته ها و هدف هایش استفاده می کند. پس از آن نیز این منظور گسترش می یابد. در دوره بعد کودک دانسته های خود را نیز به هنر خود تعمیم می دهد.

در این مرحله نقاشی می تواند نقش مهمی را در افزایش خلاقیت و پرورش شخصیت کودک ایفا نماید.

نقاشی به عنوان نوعی ماجرا، نظم، پرکننده اوقات فراغت به شیوه ای مفید و افزون دهنده مهارتهای شخصی و ثمرات بی نظیر در زندگی این گروه سنی از کودکان محسوب می گردد.

کودک آرام آرام خود را به سوی زبان تصویر سوق می دهد. کودک به خود فشار می آورد تا اشیاء قابل شناخت را تصویر کند.

در طراحی که کودک از موضع می دهد عنصر اصلی وجود ندارد. اهمیتی که کودک به نقاشی می دهد در واقع نوعی " مکالمه " است.

نقاشی، کودکان با ترکیب رنگها و اشکال به جهان تازه ای راه پیدا می کنند.

تفریح کودکان:

تفریح باید شامل چند عامل اصلی و اساسی باشد که حداقل یک یا دو نمونه از این موارد را در بر بگیرد:

۱- بدنی، ۲- اجتماعی، ۳- برانگیزاننده ادراک، ۴- وجه، ۵- سرگرمی

شبی در هر سن و سالی که باشد به تفریحی نیاز دارد که برای او آسودگی و آرامش به همراه داشته باشد و علایق او را گسترش دهد سرگرمی را می توان به ۵ بخش تقسیم کرد:

۱- هنری، ۲- مجموعه داری، ۳- بازی و ورزشی، ۴- سرگرمی های فکری، ۵- صنایع

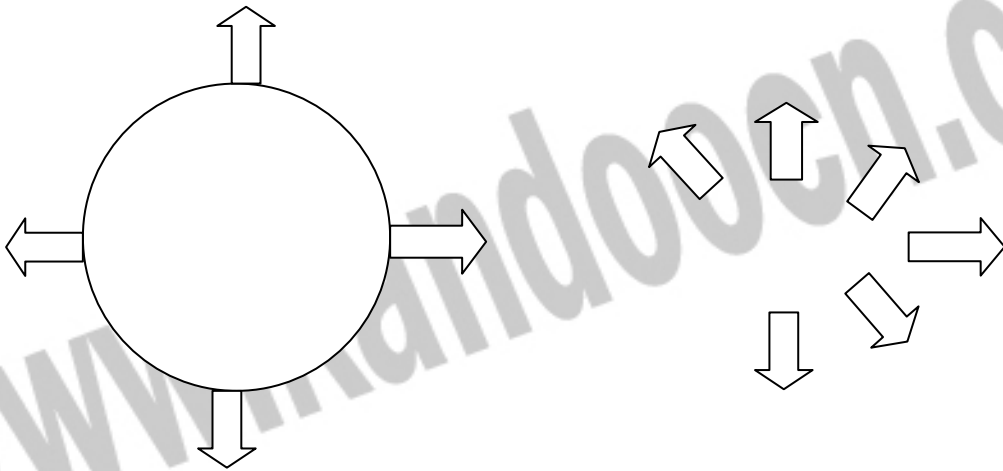
دستی

نقاشی کودکان را می توان جزء سرگرمیهای هنری آنها دانست که خود مراحل مختلفی را طی می کند.

مهم ترین این مراحل عبارتند از:

۱- مرحله گویشی، ۲- مرحله آفرینشی

در مرحله گویش کودک سعی می کند تا از طریق نقاشی چیزی یا احساسی را بیان کند. ولی در مرحله آفرینشی که پس از مرحله گویش قرار دارد کودک نهایت تلاش خود را می کند تا چیزی را خلق نماید.



اهمیت خلاقیت و تخیلی برای کودکان

وقتی که به هنگام سخن گفتن از تربیت فرزندان بر تشویق خلاقیت و تخیل آنان تاکید می کنیم فقط به خاطر آینده جامعه نیست، بلکه وضعیت فعلی کودکان نیز مد نظر است. با تشویق خلاقیت و تخیل، کودکان بهتر می توانند به روابط تازه و درک تازه از پدیده ها

دست یابند. کودکان خردسال طبیعتاً در مورد افراد و جهان پیرامون خود کنجکاوند و می خواهند ارتباط خود را با آنها بدانند.

کودکان به کمک تخیل می توانند از زمان حال به گذشته و آینده و آنچه خواهد شد فراتر بروند. آنان از جهان حسی خود در لحظه رها می شوند.

کودکان از طریق کوشش های خلاقانه و پر تخیل خود:

□ احساساتشان را به نحوی غیر کلامی و پیش کلامی مثل حالات، حرکات و رقص منتقل می کنند.

□ افکار خود را بیان می کنند برای مثال، از طریق نقاشی و طراحی.

□ ادراک و فهم خود را از جهان نمایان می کنند. برای مثال، از طریق نقش هایی که در تخیلات خود به عهده می گیرند.

□ زیبایی و ارزش جاودانی را تجربه می کنند.

□ میراث فرهنگی خود را ابراز می کنند و فهم خود را از سایر فرهنگ ها افزایش می دهند.

□ درباره مفاهیم تازه می اندیشند و آن ها را می آفرینند.

□ مشکلات را حل می کنند و در این کار مسلط می شوند.

□ عزت نفس پیدا می کنند مثلاً از طریق ساختن هویت خود آنان می توانند تصور و

دیدگی از جهان داشته باشند که متعلق به خودشان است. ما می توانیم با بررسی و کاوش

در بیان خلاقانه و تخیلی کودکان بفهمیم درباره جهان خود چه می دانند، چه چیزی را مهم می دانند و چگونه آن را بیان می کنند.

اهمیت بازنمایی

کودکان نیاز دارند تجارب، احساسات و عقاید خود را بازنمایی کنند تا بتوانند آن ها را با دیگران در میان بگذارند. به هنگام بازنمایی کاری می کنیم که شیء یا نشانه ای به جای چیز دیگری نمایان شود برای مثال، با استفاده از تخیل، کودک وانمود می کند که عروسک بچه واقعی است یا با کشیدن تصویری تجربه خود را از رفتن به باغ وحش نشان می دهد. زبان نیز فرمی از بازنمایی سمبولیک است و کلمات نمایانگر چیزی در جهان واقعی است. بازنمایی نقشی محوری در رشد شناختی دارد و از طریق بازنمایی سمبولیک است که کودکان می توانند به تفکر انتزاعی دست یابند.

همین که کودکان توانستند اشیاء و اعمال را از معنای آن ها در جهان واقعی جدا کنند و به آن ها در جهان واقعی جدا کنند و به آن ها معنای تازه ای بدهند دیگر وابسته به جهان عینی نیستند و می توانند به نحوی انتزاعی فکر کنند.

کودکان تجارب خود را به اشکال، مختلف نمایان می کنند. آنان ممکن است:

- تصویری را طراحی کنند.
- تجربه ای را در قالب کلمات توضیح دهند.
- با نقش بازی کردن موقعیتی را عملاً نشان دهند.
- با مکعب ها مدلی بسازند.

□ با حرکات و رقص حالت عاطفی را نشان دهند.

□ تصویری را نقاشی کنند.

□ یک قطعه موسیقی بسازند.

کودکان با استفاده از بازنمایی های خود کاوش می کنند، مساله حل می کنند. درباره مفاهیم تازه فکر می کنند و آن ها را خلق می کنند. اشکال مختلف بازنمایی آنان را قادر می کند تا مشکلات مختلف را از راه های مختلفی ببینند و بینش های تازه پیدا کنند. توانایی و امکان بازنمایی به کودکان احساس تسلط بر خود می دهد و در نتیجه تصور بهتری از خود پیدا می کنند.

غالباً فعالیت هایی که در مدرسه، مهد کودک و خانه به عنوان فعالیت های خلاقانه محسوب می شوند برای پر کردن وقت است و یادگیری مجموعه ای تکنیک است واقعاً خلاقانه و فعالیتی ذهنی نیست کار هنری که بزرگسال آن را هدایت کرده باشد یا کارهای هنری که به صورت انبوه تولید می شود خلاقیت کودک را بر نمی انگیزد. تصاویری که کودکان به کمک این تکنیک ها می آفرینند به خودشان تعلق ندارد. چنین کارهایی ممکن است کودکان را سرگرم و دیوارهای خالی را پر کند. شاید هم به نظر زیبا برسد و از سوی دیگران تحسین شود ولی خلاقیت و تخیل را تشویق نمی کند.

مک کلر (۱۹۵۷) بین باز تولید و خلاقیت تفاوت قائل است. وقتی که سرگرم باز تولید هستیم فقط از یک منبع اطلاعاتی استفاده می کنیم و نتیجه هم قابل پیش بینی است. وقتی که خلاقیم از منابع مختلفی اطلاعات می گیریم که با هم ترکیب می شود تا کلی

منسجم ایجاد کند. این منابع ممکن است شامل تصورات ذهنی ای باشد که دیگران خلق کرده اند ولی با اطلاعاتی از منابع دیگر از جمله تخیل خودمان ترکیب می شود. صرف کپی برداشتن از یک تصویر باز تولید است و خلاقیت نیست.

تعاریف خلاقیت و تخیل

تجاری که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان قرار می دهیم در رشد آتی آنان تاثیرات بسیار حیاتی دارد. هر قدر این تجارب غنی تر باشند کودکان فرصتهای بیش تری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند. ولی تعریف خلاقیت و تخیل ساده نیست. این تعاریف ممکن است:

- خلاقیت و تخیل را محدود به تولید یک کار هنری، برای مثلا، یک نقاشی کند.
 - خلاقیت و تخیل را محدود به "هنر" مثلاً فقط نقاشی یا موسیقی کند.
 - به خلاقیت و تخیل صرفاً به عنوان یک مهارت - چیزی که می توان آن را از طریق آموزش آموخت نگاه کند.
 - آن را به عنوان چیزی که فقط در شرایط مناسب رشد می کند ببیند.
 - مفاهیم کلیشه ای را در بر بگیرد مانند این که گروه های خاصی از افراد طبیعتاً خلاقند.
 - خلاقیت و تخیل را محدود به تعداد انگشت شماری از افراد سرآمد کند.
- لازم است تعاریفی برای خلاقیت و تخیل ارائه دهیم که:
- نخبه گرا نباشد.

□ این نکته را در نظر گیرد که همه کودکان می توانند خلاق باشند و قوه تخیلی داشته باشند.

□ از استعدادهای همه کودکان به بهترین وجهی بهره گیرد.

□ این نکته را در نظر گیرد که همه کودکان به این فرصت نیاز دارند که با مفاهیم بازی کنند.

□ اهمیت وجود محیطی که خلاقیت و تخیل را تشویق می کند به رسمیت بشناسد.

خلاقیت و تخیل را غالباً به هم ربط می دهند، برای مثال در پیامد مطلوب برای یادگیری

کودکانی که آموزش و پرورش اجباری را می گذرانند به این نکته پرداخته شده است

ولی نمی توان جای این دو را با هم عوض کرد. اگر قرار است به طور موثری خلاقیت و

تخیل را تشویق کنیم باید بدانیم چه هستند و چگونه با هم ارتباط دارند. در ضمن لازم

است ارتباط آن ها را با حوزه های دیگری مثل زیبایی شناسی و بازی بدانیم.

خلاقیت عبارت است از:

" فرآیندی که در برگیرنده تفکر و واکنش است و انسان با تجارب گذشته اش ارتباط

برقرار می کند، به محرک ها (اشیاء، نشانه ها، مفاهیم، افراد، موقعیت ها) و معمولاً دست

کم یک مجموعه منحصر به فرد واکنش نشان می دهد."

(پارنر-۵: ۱۹۶۳)

"آفریدن - به وجود آوردن"

(فرهنگنامه انگلیسی آکسفورد)

"بیان عقاید اصیل، بخش ذاتی بشر."

(رابرت - موسیقیدان و آهنگساز)

"توانایی ساختن آن چیزی که تصور می کنیم وجود دارد."

(فرانسیس - گاردنر)

"تولید چیزی که به انسان الهام می شود."

(کارولین - مادر سه فرزند)

"با هوش بودن و طراح بودن."

(جیمز - شش ساله)

"جرئت متفاوت بودن داشتن."

(کلاکستون - ۲۸۸: ۱۹۸۴)

"توانایی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقعیت به نحوی منحصر به فرد."

(ترسا - مربی آموزشی)

"انگیزه برای یادگیری." "به فعلیت در آوردن توانایی ها."

(جان - مربی آموزشی کلاس های ابتدایی) (الیزابت - استاد آموزش و پرورش ابتدایی).

این تعاریف نشان می دهد که خلاقیت در برگیرنده این موارد است:

- توانایی دیدن چیزها به طرزی نو
- آموختن از تجارب قبلی و ارتباط دادن این یادگیری به موقعیت های تازه

□ تفکری انعطاف پذیر و شکستن محدودیت ها

□ فراتر از اطلاعات گام برداشتن

□ آفریدن چیزی منحصر به فرد یا اصیل

مک کلر (۱۹۵۷) معتقد است که هر تفکر خلاق منبعی بیرونی دارد که شاید دور یا نزدیک، آگاهانه یا ناآگاهانه باشد. خلاقیت در خلأ ایجاد نمی شود. عامل خلاق در ارتباط با این منابع است و در ضمن اطلاعات گرفته شده از این منابع را سازماندهی دوباره می کند.

برای این کار به این ها نیاز داریم:

□ مهارت های و توانایی های لازم برای فعلیت بخشیدن به عقایدمان

□ مجموعه ای از دانش و درک برای کاوش و یافتن ترکیبات تازه

□ نگرش و آمادگی هایی که ما را قادر می سازد تکلیفی را تا مرحله به فعلیت رساندن عقایدمان ادامه دهیم.

از نظر من، خلاقیت یعنی یافتن ارتباط بین آن چیزهایی که قبلاً با هم بی ارتباط بودند به طریقی که از نظر خود فرد تازه و معنی دار است.

تخیل عبارت است از:

" بازی بدون عمل."

(ویگوتسکی - ۴۳ : ۱۹۷۸)

" توانایی مجسم کردن تصورات بینایی، حسی و شنوایی در ذهن."

(رابرت موسیقیدان و آهنگساز)

"توانایی به تصور در آوردن آنچه نیست."

(فرانسیس - گاردنر)

تخیل - "نیروی ذهنی برای شکل دادن به تصوراتی که هنوز شکل نگرفته اند."

(فرهنگنامه انگلیسی آکسفورد)

"دیدن چیزی که نیست. دانیل فکر می کند که توی قفسه شبح است."

(جیمز - شش ساله)

"توانایی شکل دادن تصورات ذهنی متنوع و غنی یا مفاهیمی از مردم، جاها، چیزها،

موقعیت هایی که وجود ندارد."

(آیزنبرگ و یالونگو - ۷: ۱۹۹۳)

"توانایی شناختی به تصور در آوردن واقعیتی دیگر در ذهن"

(ترسا - مربی آموزش)

"تخیل - الهام، تصور، خیال..."

(تزاروس راحت، ۱۹۸۵)

"آنچه انسانی است."

(جو - معلم مهد کودک)

این تعاریف بعضی از عناصری را که بخشی از تخیل است نشان می دهد.

تخیل کردن یعنی:

- جدا کردن خود از جهان ملموس و پیش رفتن به فراسوی موقعیت های عینی.
 - محدود نبودن به جهانی که ادراک می کنیم.
 - جدا کردن عمل و اشیاء از معنایشان در جهان واقعی و بخشیدن معنای تازه به آن ها.
 - یکی کردن و انسجام دادن به تجارب و ادراکات.
 - ساختن آنچه نیست ولی می تواند باشد، وانمود کردن.
- ارتباط بین خلاقیت و تخیل:
- از تعاریف چنین بر می آید که خلاقیت و تخیل در عین حال که یکی نیستند ولی کاملاً به هم ارتباط دارند. خلاقیت غالباً مستلزم کاربرد تخیل است.
- هنگامی که روابط تازه ای کشف می کنیم غالباً با توسل به تخیل خود را از جهان اطراف خود جدا می کنیم، ادراکات خود را درونی می کنیم و احتمالات مختلفی را بررسی می کنیم. ولی به هنگام کاربرد تخیل خود همیشه خلاق نیستیم. برای مثال، بازی تخیلی کودکان می تواند تکراری باشد. آنان ممکن است صرفاً نقش ها و سناریوهایی را که می دانند تکرار کنند. تعاریف تخیل و خلاقیت که گاردنر و فرانسیس ارائه کرده اند به ما کمک می کند تا تفاوت را بفهمیم، تخیلی توانایی به تصور در آوردن آن چیزی است که وجود ندارد، عنصر خلاق یعنی مبدل کردن تخیل به واقعیت. یا به قول فروبل وقتی ما خلاقیم که " به تفکر خود جسم بدهیم... آنچه را غیر قابل دیدن است قابل دیدن می کنیم."

ویژگی های خلاقیت در کودکان

تعاریفی که تاکنون از خلاقیت و تخیل آورده ایم بر کشف تازه و بر ارتباط دادن بین آن چیزهایی که قبلاً ارتباطی با هم نداشتند و بر توانایی درونی کردن ادراکاتمان با توسل به تخیل تاکید دارد. ما چگونه می توانیم این تعاریف را به کودکان خردسال ربط دهیم؟ غالباً چیزهایی که آنان کشف می کنند تازه نیستند و مدت ها قبل کسان دیگر کشفشان کرده اند. ولی این کشفیات برای کودک تازگی دارد. خلاقیت در کودکان یعنی وقتی که برای اولین بار ارتباطی را کشف کرده اند که قبلاً کشف نکرده بودند.

کودکان خلاقند در صورتی که:

- کاوش کنند و بیازمایند.
- با استفاده از زبان و بازی به جهان خود معنا ببخشند.
- مدتی طولانی بر روی یک تکلیف تمرکز کنند.
- به آشفتگی نظم بدهند با پدیده قدیمی و آشنا کاری تازه کنند.
- با تکرار چیزی تازه بیاموزند.

ارتباط خلاقیت با زیبایی شناسی و هنر

خلاقیت و تخیل غالباً با زیبایی شناسی ارتباط دارد. زیبایی شناسی جستجوی زیبایی در رنگ، شکل و طرح است. یعنی واکنش نشان دادن و لذت بردن از آن چه زیبا محسوب می شود، خواه در هنر باشد، خواه در رقص، موسیقی یا زندگی.

خلاقیت و تخیل بر اساس ماده ۳۱ اعلامیه حقوق بشر با هنر ربط پیدا می کند، در این ماده هنر چنین تعریف می شود "گسترده بیان خود به نحوی خلاق و تخیلی توسط همه مردم از فرهنگ ها، طبقات و سنین مختلف."

در برنامه ملی، خلاقیت و تخیل به عنوان بخشی از هنر و نیز جزئی از برنامه مطالعه کودکان در نظر گرفته می شود که باید به کودکان آموخته شود تا "عقاید و احساسات خود را بیان کنند"، مشاهدات خود را ثبت کنند و تصاویر و کارهای دستی را طراحی و درست کنند.

ارتباط خلاقیت و بازی

بین فرآیند خلاق و بازی ارتباط ها و همپوشی ها بسیاری وجود دارد. بازی و خلاقیت ویژگی های مشترکی دارند. در حقیقت بازی غالباً بخشی از فرآیند خلاق است. هر دو این ها این موارد را در بر می گیرد:

- یک نگرش و یک فرآیند
- وضعیتی ذهنی و آمادگی
- توانایی کنار آمدن با عدم اطمینان
- توانایی کاوش در مفاهیم تازه
- تفکر واگرا، یعنی توانایی نگاه کردن به یک مشکل از راه های مختلف
- عدم اجبار
- فرصت انتخاب داشتن

□ آفرینش و بازآفرینی

تخیلی و خلاقیت در بازی عمیقاً ریشه دارند (مویلز، ۱۹۸۹) و روحیه بازی کردن در طول دوران زندگی به عنوان بخش خلاق وجود ما در ما باقی می ماند. باز انعطاف پذیری و مهارت های حل مسئله را که برای خلاق بودن لازم است تقویت می کند. هنرمندان غالباً می گویند که برای کشف ترکیبات تازه و خلاق با مواد بازی می کنند. اگر ما به عنوان بزرگسالان همچنان روحیه بازی کردن را در خود حفظ کنیم یعنی آگاهانه ویژگی های بازی را به کار بریم قادر خواهیم بود از طریق حواس خود اطلاعات را به دست آوریم و محدود به اطلاعات دست دوم یا نتایج از قبل تعیین شده نباشیم. روحیه بازی کردن به تخیل پر و بال می دهد (پریتس، ۱۹۹۴).

بازی و اهمیت آن:

بازی عبارت است از فعالیتی که بدون وجود نیروی خارجی (زور و اجبار) و کاملاً اختیاری و بدون هدف و منظور خاصی انجام می دهیم، بطوری که انجام آن سبب لذت و آرامش گردد.

بازی با کار تفاوت زیادی ندارد و تنها اختلافی که می توان بین آن دو دانست در انگیزه انجام فعالیت است. اگر فعالیتی به منظور رسیدن به هدف خاص و مشخص دنبال شود آن را کار می نامند و اگر هدف صرفاً لذت و خوشی باشد آن فعالیت را بازی می نامند. برای کودکان بازی یک راه میان بر برای دست رسی به مسائل دنیا است. بازی عبارتست از: ابراز خود بدون ترس.

بازی جزء طبیعت کودکان بوده و در حکم یک نیاز غریزی مثل آب و غذا می باشد.

پیازه معتقد است برای آنکه بتوان فعالیتی را بازی نامید باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- دارای هدف نباشد.

۲- لذت بخش باشد.

۳- سازمان دهی نداشته باشد.

۴- اختیاری باشد.

۵- از هر گونه کشاکش و پرخاشگری آزاد باشد.

کودک را باید از نظر جسم، عاطفی و ذهنی پرورش داد و یکی از وسایلی که در پرورش

این سه قوه موثر است بازی است.

بازی فعالیتی است که کودک برای پدیده آوردن شیئی یا رویدادی انجام می دهد تا

جایگاه اجتماعی و کاری خود را دریابد. کودک با بازی خود، آنچه را که از اعمال

بزرگسالان یاد گرفته یا در درون خود دارد بیان می نماید و سعی می کند تا آنها را به

سطح واقعیت برساند. هر مقدار سطح کوشش او با معیارهای محیط زندگی بیشتر

همخوان باشد، کودک شادتر و خوشحالتتر است و هر مقدار سطح کوشش او از این

معیارها دورتر باشد او ناراحت تر و ناسازگارتر است.

فرویل بر این عقیده است که بازی نه تنها بازدارنده رشد کودک نیست، بلکه باید به

عنوان یکی از مهمترین عوامل که می تواند باعث هماهنگی رشد آزاد کودک از لحاظ

جسمی، احساسی و ذهنی گردد، در نظر گرفته شود. در حقیقت بازی عاملی است در جهت رشد و تکامل خواست ها و امیال کودک.

کودک از طریق بازی یاد می گیرد، ابداع می کند، تجربه می کند و... کودک از راه بازی می تواند به استعدادها و توانایی ها، خواست ها، ضعف ها، نکات مثبت و منفی شخصیت خود پی ببرد و لذا با شناخت ویژگی های خود، ساخت شخصیتی خود را تحکیم ببخشد.

اهمیت محیط مناسب

اگر می خواهیم کودکان خلاقیت خود را ابراز کنند لازم است محیطی ایجاد کنیم که بتوانند چنین کنند. دو جنبه را باید در ذهن داشته باشیم:

۱- محیط عاطفی که فراهم می کنیم.

۲- محیط فیزیکی که ایجاد می کنیم.

اگر می خواهیم کودکان خلاق باشند لازم است مطمئن شویم که همه کودکان احساس با ارزش بودن می کنند و به خاطر خودشان، فرهنگ، مذهب و زبانشان پذیرفته شده اند. کودکان بدون چنین احساسی آن چنان که باید احساس امنیت نمی کنند تا خطر کنند، اشتباه کنند و همه این ها در فرآیند خلاق اهمیتی حیاتی دارند.

هر چه می گذرد از امکانات کودکان برای کاوش آزادانه کاسته می شود. نگرانی های والدین در مورد امنیت ممکن است به این معنا باشد که کودکان این روزها دیگر نمی توانند بدون همراهی بزرگسالی در کوچه و پارک آزادانه بازی کنند. برای جبران این

کمبود فعالیت های سازمان یافته و برای کودکان افزایش یافته است. کودکان غالباً از سنین پایین به کلاس های موسیقی و رقص و نمایش فرستاده می شوند. این ها غالباً تحت هدایت بزرگسالان است و به کودکان فضا و زمان کافی داده نمی شود تا به روش خود کاوش و خلق کنند. ما لازم است راه هایی بیابیم تا این گزارش را معکوس کنیم و اطمینان بیابیم محیطی که ایجاد می کنیم فرصتهایی را که کودکان به آن نیاز دارند تامین می کند.

سازماندهی دسترسی به فضا و منابع:

لازم است با توجه به هر موسیقی پتانسیل آن را برای خلاقیت و تخیل کودک افزایش داد.

تا حدودی خلاقیت به منابع بستگی دارد. کودکان بدون دسترسی به منابع نمی توانند خلاقیت خود را نشان دهند. به خصوص وقتی که می کوشند بازنمایی های دو بعدی و سه بعدی ایجاد کنند. وسعت منابعی که فراهم می کنیم تعیین می کند که کودکان چه می توانند خلق کنند و چرا و چگونه می توانند خلاق باشند. و خلاقیت یعنی برقراری ارتباطات معنی دار با استفاده از مفاهیم و مواد به روش های تازه. این که ما چگونه فضا و منابع را سازماندهی کنیم به نحو گسترده ای تعیین می کند که کودکان تا چه حدی از عهده این امر بر می آیند.

در عین حال که فضا و منابع در موقعیت های مختلف متفاوت است این نکته اهمیت دارد که چیزهای موجود را به نحو منظمی سازماندهی کنیم. اگر کودکان به دلیل نیافتن

منبع یا ابزاری تمرکز خود را از دست بدهند یا دچار وقفه ای شوند دچار احساس محرومیت می شوند. بررسی محیط کار هنرمندان نشان می دهد که غالباً محیط کارشان نظم دارد و هر چیزی جای خود را دارد و قابل دسترسی است. مک کلر (۱۹۵۷) توضیح می دهد که تنظیم محیط فیزیکی به تمرکز، ایجاد حالت خلاقیت و افزایش انگیزه کمک می کند.

دسترسی کودکان به تجارب خلاق و پر تخیل به دلایل مختلف ممکن است محدود شود. کمبود فضا و زمان و مراقبت کننده بی توجه، میزان انعطاف پذیری بزرگسالان در مورد نامنظم بودن کودک، عدم درک بزرگسالان از اهمیت این تجارب، همگی ممکن است تاثیر عمده ای در خلاقیت و تخیل کودکان داشته باشد. برای مثال، والدین و سایر مراقبت کنندگانی که از کودکان در خانه مراقبت می کنند ممکن است فضا و منابع محدودی در مقایسه با مهد کودک ها داشته باشند. ممکن است ارائه تجارب گسترده در همه اوقات امکان پذیر نباشد، ولی تعداد قلیل کودکان این امکان را ایجاد می کند که برای تجارب خاصی در مدت زمان معینی تمرکز شود.

اشیای روزمره و کارهای معمول روزانه در خانه امکانات خوبی برای بازی تخیلی کودک فراهم می کند. یک وضعیت خانگی همانقدر تخیل را تشویق می کند که یک مهد کودک با امکانات بسیار.

محیطی که ارائه می کنید چه چیزهایی فراهم می کند؟

کیفیت	پرسش ها
فضا	<p>□ آیا کودکان امکان تحرک و تفکر به همراه سایر کودکان را دارند؟</p> <p>□ آیا امکاناتی برای کار کردن در داخل و خارج وجود دارد؟</p> <p>□ آیا جایی برای تامل و تفکر در نظر گرفته شده است؟</p> <p>□ آیا جایی برای فعال بودن، کار کردن به تنهایی یا با دیگران وجود دارد؟</p> <p>□ آیا کودکان این امکان را دارند که کاری را که در دست دارند رها کنند و دوباره بر سر آن بازگردند؟</p> <p>□ آیا فضایی برای نگهداری ابزار و وسایل کودک وجود دارد؟ برای مثال، در خانه جعبه های قابل حمل.</p> <p>□ آیا فضا طوری تنظیم شده که عملی و قابل تنظیم باشد؟</p> <p>□ آیا محیط اطراف کودک تمیز است؟ آیا برای هر چیز جای معینی در نظر گرفته شده است؟</p> <p>□ آیا مواد به نحوی تنظیم شده اند که کودکان بتوانند آن ها را به نحوی تازه و خلاق با هم ترکیب کنند؟</p>
قابل دسترس بودن	<p>□ آیا مواد، منابع و وسایل به نحوی تنظیم شده اند که برای کودکان قابل دسترس باشند؟</p> <p>□ آیا جایی گذاشته شده اند که دست کودک به آن برسد؟</p> <p>□ آیا کودکان می توانند ببینند چه چیز در دسترسشان است، آیا مواد برچسب دارند؟</p>
امنیت	<p>□ آیا ابزار و موادی که در دسترس کودک است ایمن است؟</p> <p>□ آیا ابزار و موادی که شاید خطرناک باشد در صورت به کار بردن و نگهداری به نحو صحیح میزان ایمنی آن بالا می رود؟</p>
زیبایی شناسی	<p>□ آیا محیط روشن است؟</p> <p>□ آیا مبلمان و اثاث از لحاظ رنگ آمیزی، شکل و جنس به نحوی است که در کودک ایجاد انگیزه کند؟</p>

محیطی برای رشد دو - سه بعدی

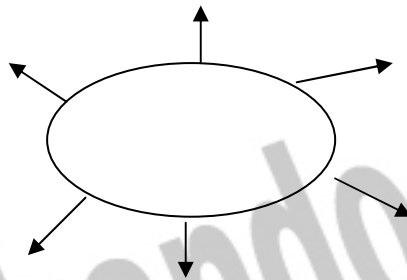
پرسش ها
آیا این منابع در دسترس است: <input type="checkbox"/> قلم موهای مختلف برای نقاشی <input type="checkbox"/> مداد و ابزار برای طراحی <input type="checkbox"/> ابزار مجسمه سازی، ساختمان سازی، الگوبرداری <input type="checkbox"/> امکاناتی برای بررسی خصوصیات مواد از جمله نقاشی مخلوط <input type="checkbox"/> کاغذ در همه اشکال، اندازه ها، رنگ، جنس، کارت <input type="checkbox"/> مواد کولاژ
آیا کودکان فرصت هایی برای انجام این گونه کارها دارند؟ <input type="checkbox"/> مخلوط کردن رنگ، چسب، گل رس، خمیر <input type="checkbox"/> انتخاب مواد و ابزار مورد نیاز <input type="checkbox"/> انتخاب مناسب ترین سطح برای کار کردن، مثلاً میز، دیوار، زمین <input type="checkbox"/> ترکیب و مخلوط کردن مواد. برای مثال، کاربرد مکعب های بزرگ به عنوان بخشی از بازی تخیلی
آیا فضایی برای این کارها وجود دارد؟ <input type="checkbox"/> کار در حال پیشرفت، نگهداری کار تمام شده <input type="checkbox"/> منابع از جمله کتاب، مجله، نمونه ای از کارهای گذشته کودکان <input type="checkbox"/> نمایش آثار کودکان دیگر، برای ایجاد انگیزه خلاقیت. برای مثال در خانه، چسباندن کار کودکان به یخچال و درها، جمع آوری تصاویر کار دیگران به عنوان کارت پستال و بریده مجلات <input type="checkbox"/> آویزان کردن بعضی از اشیاء و ساختن مکعب های بزرگ

آنالیز اجتماعی:

(← →)

در این بخش ابتدا کلیه گروه های مرتبط با محصول شناسایی شده، نوع ارتباط هر گروه با محصولات موجود بررسی شده و سپس شدت این روابط تعیین می گردد. بدین وسیله مهمترین گروه های مرتبط با طرح، به منظور شناخت نیازها و خواسته های آنها از طرح جدید مشخص می شود.

گروه های مرتبط با محصول:



شناخت استفاده کنندگان (User Analysis)

در مورد مجموعه مورد نظر، سه گروه استفاده گر عمده می توان در نظر گرفت:

۱- کودک، ۲- والدین، ۳- تولید کنندگان و فروشندگان

در مورد شناسایی این سه گروه باید این مهم را در نظر گرفت که در ابتدا کسانی که بیشتر با محصول در ارتباطند والدین هستند. آنها در خرید، نوع و انتخاب محصول تصمیم گیرنده هستند، اما در نهایت کودک کسی است که بیشترین ارتباط و زمان تماس

را با مجموعه دارد. ثانیاً باید در نظر داشت که کودک توسط والدینش نگهداری می شود،
لذا شناسایی هر دو گروه در بخش اول واجب است.

شناخت گروه استفاده گر اول (کودک):

این گروه بیشترین زمان را با محصول در ارتباطند و بیشترین استفاده را از محصول می
کند. نوع ارتباط کودک با محصول جسمی (ارگونومیک و عملی) و روحی (زیبایی
شناسی) است. آگاهی از علایق و نیازهای کودک برای طراحی محصولی مفید و در
رابطه با او بسیار اهمیت دارد. باید بدانیم که کودک در هر مقطع سنی با کارهای هنری و
ابزارهای مربوط به آن چطور برخورد می کند. این امر در موفقیت و استقبال از محصول
نقش عمده ای دارد. مواد و ابزاری که در برنامه های هنری استفاده می شود محرک های
بسیار مهمی در جهت رشد کار هنری کودک است ابتدا به بررسی خصوصیات و توانایی
های کودکان ۴ تا ساله می پردازیم:

کودکان ۴ ساله:

- در چهار سالگی دخترها از پسرها بزرگترند.
- اگر به آنها کمک شود می توانند مسافت زیادی از پله ها را بالا بروند.
- به درستی ۳ رنگ اصلی را نام می برند و آنها را با هم جور می کنند.
- بازی هایشان از پیچیدگی خاصی برخوردار است. با این حال عادت های کودک نظم
و ترتیب خاصی ندارد.

- به شدت پر انرژی و علاقه مند به بالا رفتن از جایی هستند و سه چرخه سواری را نیز بسیار دوست دارند.

- بعد از ناهار در تختشان استراحت می کنند، اما به ندرت چرت می زنند یا به خواب می روند.

- به آرامی در تختشان با کتاب و اسباب بازیهایشان باز می کنند.
کودکان ۵ ساله:

- پله ها را بدون کمک دیگران به راحتی بالا می روند.

- در فعالیت هایی نظیر بالا رفتن، تاب خوردن و حرکات جالب دیگر فعال و کاملاً ماهر هستند.

- قادرند با دست های خود به هدف چنگ بزنند.

- مربع و مثلث را می توانند کمی کپی کنند (حدود سن پنج و نیم سالگی)،

- با انگشت اشاره یک دست، انگشت های دیگر را می شمارند.

- ۳ رنگ اصلی یا رنگ های دیگر را نامگذاری می کنند و ده تا دوازده رنگ را نیز با هم جور می کنند.

- رفتار اصلی کودک معقولانه تر به نظر می رسد و کنترل شده تر و مستقل تر شده است.

- نیاز به نظم و پاکیزگی را می فهمند، اما باید دائماً به آنها تذکر داده شود.

- کودکان بین ۳-۵ سالگی علاقه خاصی در نصب اجزای یک معمای تصویری و جور کردن شکل های گوناگون از خود نشان می دهند. پیشرفت رشد عقلی بستگی به این دارد که تا چه میزان در جریان رویدادها و اشیاء قرار داشته باشند.
کودکان ۶ ساله:

- دختر از نظر دقت در حرکت نسبت به پسرها در سطح بالاتری هستند.

- پسرها از نظر قدرت در سطح بالاتری هستند.

- رفتارهای پیچیده در این سن کمتر می شود.

- می توانند یک وزنه مناسب را پرتاب یا جابه جا کنند و یا حتی نگه دارند.

- کلماتی که یاد گرفته اند به هزار یا حتی بیشتر می رسد که قابل درک هستند.

- اشتباهات تلفظی کم شده و مانند یک فرد بزرگسال با کمترین میزان اشتباهات دستوری صحبت می کنند.

- در این سن می توانند به وسیله تصوراتشان به وقایع موضوعات و مردم فکر کنند

(وقتی که آنها حضور نداشته باشند) اما نمی توانند آن را ماهرانه اجرا کنند (تصوراتشان را به نمایش بگذارند).

- هنوز فکر می کنند نظراتشان تنها راه حل است (نظریات متعلق به خودشان است).

- تنها از طریق حس کردن و انجام دادن کارها، آموزش نمی بینند، بلکه از طریق فکر کردن نیز به تجربه هایی می رسند.

- علت و معلول را می فهمند و به نتیجه وقایع می اندیشند.

وندالیزم (Vandalism):

وندالیزم به طور کلی به دو صورت آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم می گردد. در این محصول وندالیزم به حال آگاهانه صورت می پذیرد. در مورد کودک صاحب محصول معمولاً این وندالیزم از کنجکاوی فراوان او ناشی می شود و در کودکان اطراف او علاوه بر کنجکاوی می تواند از شیطنت نیز ناشی گردد.

به طور کلی هر چه محصول از پیچیدگی های بیشتر از لحاظ کاربرد و فهم برخوردار باشد کنجکاوی کودک را بیشتر افزایش می دهد، در نتیجه وندالیزم آن افزایش می یابد.

چگونگی تشکیل مفاهیم در ذهن کودک:

مرحله های مختلفی در شکل گیری و درک مفاهیم در ذهن کودک جریان دارد. این مراحل عبارتند از:

۱- تصویرهای خاص، ۲- تصویرهای عام، ۳- طرح ها، ۴- نشانه ها و علامتها

چه اطلاعاتی را می توان از طریق طراحی سمبلها در محصول به کودک منتقل کرد:

۱- اندازه:

سه محفظه کوچک، متوسط و بزرگ می توانند به راحتی به کودک مفهوم این سه کلمه را معلوم کرده و طرز استفاده هر سه فضا را نشان دهند. مثلاً محفظه کوچک محل نگهداری آشغال تراشی، متوسط محلی قرارگیری خط کش و پاک کن و بزرگ محل مداد رنگی ها است. از علائم گرافیکی نیز می توان برای نشان دادن این منظورها استفاده نمود، حتی می توان از مفاهیم مهم تر مانند کوچکتر و بزرگتر هم استفاده کرد.

۲- آشنایی با رنگها:

از قطعات رنگی مختلفی می توان در طراحی محصول استفاده نمود.
می توان کودک را با رنگهای مختلف آشنا کرد و حتی با طرح یک سیستم هدفمند ارتباط رنگها را با یکدیگر نشان داد. مثلاً برای جای پاک کن و تراش از دو رنگ زرد و قرمز استفاده نمود و برای محفظه نگهداری آشغال های تراش و پاک کن از رنگ نارنجی که ترکیب دو رنگ بالاست استفاده نمود. رنگهای تیره و روشن را نیز می توان در طراحی محصول وارد کرد.

۳- شکل ها:

با طراحی مناسب می توان شکلهای اصلها را هم طراحی نموده و به کودک آموزش داد و همچنین ارتباط آن را با رنگ مشخص کرد (مثلاً محفظه پاک کن زرد و مثلث را نشان می دهد و تراش هماهنگ با شکل اکثر تراشها گرد (دایره) و آبی را نشان دهد). همچنین می توان اشکال ثانوی همانند بیضی و غیره را به کودک نشان داد.

۴- مکانها:

قطعات مختلف محصول می تواند نمایانگر مکانهای مختلف باشد که نوعی معرف و نشانگر هم محسوب شود. مثلاً چنانچه تخته ای (تخته سیاه) برای نقاشی با گچ رنگی معمولی برای کودک در نظر گرفته شود می توان آن را به شکل خانه ساده طراحی کرد یا جعبه مداد رنگی ها را شبیه به ریل قطار و ایستگاه طراحی نمود. این تدبیر دقت، شوق و علاقه کودک را نسبت به محصول بالا می برد.

نقش تربیت در شخصیت کودک:

تربیت، یاری کردن کودک است تا به شخصیتی آزاد و منضبط که همان وجود اخلاقی و فطری است دست یابد، یا بهتر بگوییم که آن را در خود بسازد، ولی به نظر می رسد که در اغلب خانواده‌ها و جوامع، چه در جهان سوم و چه در جهان پیشرفته و مدعی علم و فن آوری، سعی دارند کودک را با وابستگی و واماندگی، اطلاعات پذیری مطلق، خوپذیری به وضع موجود و ... همراه سازند.

در چنین شرایطی است که تربیت به جای رها کردن، رام کردن است و به جای فتح مداوم، اسارت مداوم.

شکل گیری شخصیت وابسته از همان اوان زندگی و حتی در نخستین ماه‌های پس از تولد ریشه می گیرد.

روش تربیتی نادرست و به وجود آمدن وابستگی در ساختار شخصیتی کودک باعث می شود تا حس استقلال طلبی و ریشه های خلاقیت در وجود فرد از بین برود. اقداماتی که می تواند خلاقیت کودک را تحریک کند شامل این موارد است:

- ۱- به کودکان اجازه دهید از شما سؤال کنند و آنها را به این کار تشویق کنید.
- ۲- به کودکان مسئولیت بدهید و فرصت هایی برای رسیدن آنها به استقلال بیشتر را فراهم آورید.
- ۳- کودکان را در معرض سئوالات باز با پاسخ های متعدد قرار دهید.
- ۴- کودکان را به بررسی های مبتکرانه تشویق کنید. به آنها فرصت کاوش بدهید.

۵- بگذارید خوب نگاه کنند، بررسی کنند، احساس کنند، شرایط را طبقه بندی کنند و

درباره یافته های خود صحبت کنند. به آنها امکان بدهید مسائشان را حل کنند.

۶- به آنها امکان آشنایی با فرهنگهای مختلف را بدهید.

روشهایی برا افزایش خلاقیت کودکان در منزل:

۱- لوازم و وسایلی در اختیار کودک قرار دهید تا قدرت خلاقیت او را قوت بخشد.

۲- به کودک فرصت اندیشیدن و رویا پردازی بدهید.

۳- کودکان را تشویق کنید تا نقطه نظرهایشان را ثبت کنند.

۴- نظرات متفاوت آنها را بپذیرید.

۵- فردیت کودک را تشویق کنید.

نشانه های خلاقیت در کودک:

خلاقیت دارای نشانه‌هایی است که در اینجا به این موارد اشاره می شود:

۱- دقت و توجه در گوش دادن، مشاهده یا انجام کاری

۲- شور و نشاط و مشغولیت های شدید جسمی

۳- استفاده از قیاس در صحبت ها

۴- تمایل به داشتن چالش با بزرگترها

۵- عادت به واریسی کردن منابع مختلف

۶- نگاه دقیق به اشیاء

۷- اشتیاق صحبت کردن درباره کشفیات با دیگران

۸- تمایل به ادامه انجام برنامه بعد از اتمام وقت

۹- پی بردن به رابطه میان چیزهایی که ظاهراً با هم بی ارتباطند.

۱۰- فکر کردن به چیزی که مثلاً در یک برنامه تلویزیونی نشان داده می شود.

۱۱- عادت به سؤال و آزمون نتایج

اهمیت خلاقیت و تقویت آن را در دوران کودکی، باید در تاثیری که در تمام مدت عمر

شخص بر جای می گذارد، جستجو کرد. کسانی که در کودک و کم سالی نشانه هایی از

خلاقیت را به نمایش می گذارند در دوران بلوغ و بزرگی نیز می توانند این نیروی

خلاقه خود را به نمایش بگذارند.

گاردنر معتقد است تصور و تخیلی که در اوایل کودکی شکل می گیرد، مبنایی برای

خلاقیت در دوران بلوغ است.

به نظر می رسد سه عامل می تواند روی تمایل کودک به برخورد خلاق با مسائل تاثیر

گذارد:

۱- طرز تلقی مشخص کودک در قابل فعالیت

۲- کار (اثر) در رابط با زمینه کار (زمینه اثر)

۳- نقش آموزگار یا بزرگترها (آیا خلاقیت کودک مورد حمایت قرار می گیرد؟)

عامل دیگری که مطرح می شود، بحث استعداد است.

استعداد را از میزان نسبی پیشرفت استنباط می کنیم. اگر برای کسب یک مهارت

فرصتهایی یکان و مشابه را به افراد بدهیم، در این صورت خواهیم دید که از نظر

سهولت کسب آن با یکدیگر متفاوت هستند. وقتی افراد از نظر سطح مهارت و تخصصی که به دست آورده اند با هم متفاوت هستند، می گوئیم از نظر استعداد برای کسب آن کار خاص با یکدیگر تفاوت دارند. استعداد هر شخص کمابیش خاص اوست. ممکن است یک فرد در یک زمینه استعداد داشته باشد، اما در زمینه دیگر خیر. استعداد به وارثت و آن چه ما می آموزیم نیز بستگی دارد.

شناخت گروه استفاده گر دوم (والدین):

همان طور که در قبل نیز ذکر شد، استفاده گر درجه ۱ و مورد بحث کودکان ۴-۶ مساله می باشند که در ارتباط مستقیم و بسیار نزدیک با والدین خود هستند، اما این استفاده گران کوچک، با والدین خود زندگی می کنند و با توجه به اینکه به طور کامل وابسته به والدین خود هستند، بنابراین پدر و مادر را به عنوان استفاده گر درجه ۲ مورد شناخت و بررسی قرار می دهیم. والدین هنگام خردی محصول به طور کلی به این موارد اهمیت می دهند: ۱- به صرفه بدون اقتصادی. ۲- حفظ نظافت. ۳- نظم و کاهش دردسر. ۴- جنبه تشویقی.

بررسی دقیق تر استفاده گر درجه دوم از جهت فرهنگ، روابط اجتماعی، نیازها و خواسته ها و علایق و دیگر موارد، کاملاً ضروری است. از دلایل لزوم این بررسی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- والدین خریدار محصول هستند.

۲- انتخاب مدل و نوع محصول به عهده والدین است.

- ۳- والدین در چگونگی چیدمان و استفاده از آن دخیل هستند.
 - ۴- شرایط اقتصادی در خرید محصول موثر است.
 - ۵- فرهنگ والدین در خرید آن و انتخابش شدیداً تاثیر گذار است.
 - ۶- والدین بیشترین تاثیر را از جهت مسائل فرهنگی و اجتماعی بر کودک می گذارند.
 - ۷- نگهداری و نظافت محصول تا حدی زیاد به عهده والدین است.
 - ۸- وضعیت قرارگیری محصولات را در اتاق والدین تعیین می کنند.
- همان طور که مشاهده می شود خانواده در شخصیت سازی کودک نقش مهمی دارد و شخصیت هر فرد حاصل همان محیط، عادت ها و یادگیری است که در آن رشد کرده و با آن در ارتباط بوده است.

دوران کودکی را می توان در سه بخش کلی بررسی کرد:

- ۱- بدو تولد تا ۲ سالگی.
 - ۲- ۲ سالگی تا ۷ سالگی.
 - ۳- ۷ سالگی تا آغاز نوجوانی.
- به گفته روانشناسان، سبک زندگی و عادت ها در این دوران پی ریزی و پایه گذاری می شود.

تحقیقاتی که درباره مشکلات کودکان و ارتباط آنها با خانواده انجام شده نشان می دهد که یکی از مشکلات و دلایل اختلالات روانی کودک به علت محیط خانواده نا امن و هیجانی وی بوده است.

خانواده هایی که نمی توانند رفتارشان را کنترل کنند، بچه هایی عجول، کم حوصله و بی دقت پرورش می دهند. علل بعدی وضعیت روحی و روانی مادر است. تحقیقات نشان داده بعضی از افراد با آنکه ضریب هوشی بالایی دارند ولی مشکلات روانی هستند.

از دلایل دیگر وضعیت مستقل در خانواده برای کودک است. تحقیقات نشان داده که کودکی که از داشتن اتاق و وسایل شخصی مثل تخت و کمد و میز و صندلی و حتی اسباب بازی مستقل محروم است و والدینش نیز فکر می کنند که «مگر ما خودمان این وسایل را داشتیم که کودکمان داشته باشد»، دچار سرخوردگی می شوند. به طور کلی کودکان که در این سه موقعیت (اختلافات خانوادگی - مادر افسرده - فقدان وسایل

شخصی) رشد کرده اند به دو گونه رفتار می کنند:

۱- یا دارای رفتاری درونگرا و منزوی هستند، مثلاً خیلی خجالتی و در دوست یابی ضعیف عمل می کنند.

۲- یا در رفتارشان بسیار بی قرارند، که این دسته از بچه ها غالباً مضطرب هستند و تحریک پذیری بیش از حدی دارند.

با توجه به مطالب یاد شده می توان دریافت که شخصیت والدین در تربیت فرزندان نقش به سزایی خواهد داشت. به همین دلیل در اینجا مختصراً به بررسی نقش پدر و مادر می پردازیم.

نقش مادران

همان طور که قبلاً اشاره شد، تاثیراتی که مادران بر فرزندان خود دارند بیشتر از پدران است. بنابراین، یک مادر می تواند با توجه به رفتاری که به کودک خود اعمال می کند در آینده او بسیار موثر باشد. سطح سواد خانم ها در هر ده سال تقریباً ۲ برابر می شود. این موضوع به این معنی است که سطح آگاهی محیط خانواده ها بالاتر می رود و مادر نسبت به مسائل خانواده از جمله کودک با دید بهتری برخورد کرده و به خواسته ها و وسایل رفاهی کودک اهمیت بیشتری می دهد.

نقش پدران

برخلاف گذشته، در حال حاضر، پژوهشگران زیادی متقاعد شده اند که مردان به اندازه زنان توانایی رسیدگی و مراقبت از کودکان را بالقوه دارند. به همین دلیل بررسی نقش پدران در خانواده و تربیت کودکان نیز دارای اهمیت و ضرورت است.

با این همه وقتی پدر و مادر هر دو حضور دارند، پدر ترجیح می دهد که مراقبت از کودک را به عهده مادر بگذارد. مردان نیز همانند زنان از رشد سواد در همه سال برخوردار بوده اند. با توجه به این موضوع هر روز پدران بیشتری به خانواده و فرزندانشان اهمیت می دهند. و با دیدن بازتری به این مهم نگاه می کنند.

البته باید این نکته را در نظر داشت که سطح سواد و درآمد سرانه با هم پیوند نزدیکی دارد و هر خانواده ای که افراد با سواد آن بیشتر باشد، در آمد بالاتری نیز دارد، پس می

تواند وسایل رفاهی بیشتری تهیه کند و از نظر اقتصادی کمتر در فشار باشد و همان طور که قبلاً نیز گفته شد، سطح سواد جامعه رو به پیشرفت است. پس به موازات آن هم سطح آگاهی رو به پیشرفت است و هم سطح درآمد سالانه.

روابط اجتماعی

بازار هدف این محصول را قشر محصول کرده با درآمد متوسط و بالا تشکیل می دهد. این گروه بیشترین استفاده کنندگان این محصول به حساب می آیند که باید روابط اجتماعی فرهنگی آنها را در نظر گرفته و در رابطه با موضوع مورد بحث شناسایی کرد.

با توجه به تحقیقات انجام شده در رابطه با قشر مورد نظر، مشخصاتی در خصوص زندگی این افراد به دست آمده که به ذکر آن می پردازیم:

- پدر و مادر هر دو تحصیل کرده اند.

- مقداری از وقت خود را در طول روز به مطالعه می پردازند.

- با مطالعه کتاب هایی در زمینه کودک آگاهی خود را در رابطه با نحوه رفتار با کودکان بالا می برند.

- با نیازها و خواسته های کودک آشنا هستند و از اهمیت آنها نیز آگاه.

- به کودکانشان به عنوان یک عضو از خانواده احترام می گذارند.

- برای تربیت کودک خود وقت صرف می کنند و به رشد شخصیتی او اهمیت می دهند.

- به مسائل رفاهی کودک اهمیت داده، در جهت رفاه بیشتر او می کوشند.

- به نیازهای روانی و جسمی کودک اهمیت داده و در جهت رفع آنها اقدام می کنند.

- به تعداد فرزندان خود اهمیت می دهند.
- اغلب دارای رادیو و تلویزیون و اکثراً ماهواره هستند و به طور مداوم از آنها استفاده می کنند.
- با فرهنگ مردمان دیگر آشنا و در بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی خود تلاش می کنند.
- وضعیت شغلی مناسب با درآمد متوسط و متوسط رو به بالا دارند.
- در بعضی از خانواده ها زنان نیز شاغل هستند و با مسائل جامعه از نزدیک در ارتباطند و این امر باعث بالاتر رفتن میزان رفاه خانواده است.
- به خرید مبلمان و وسایل شخصی اهمیت می دهند.
- برای خواب و استراحت از تخت خواب استفاده می کنند.
- اکثراً منزل مستقل و شخصی دارند.
- وسعت خانه هایشان به گونه ای است که برای فرزندانشان اتاق مجزا در نظر می گیرند.
- به دکوراسیون اتاق کودک خود اهمیت می دهند.
- به روابط اجتماعی و ارتباط با فامیل و اقوام اهمیت می دهند و با آنها در ارتباطند.
- به جهت رفت و آمد. سعی در بهبود بخشیدن به وضعیت وسایل منزلشان خصوصاً اتاق کودک خود دارند.
- زمانی از وقتشان را به تفریح با کودک خود و حرف زدن با او صرف می کنند.

شناخت گروه استفاده گر سوم:

بررسی تولید کنندگان، فروشندگان و حمل و نقل

در این بخش به بررسی نیازهای افرادی پرداخته می شود که به نوعی با محصول مورد نظر در ارتباط هستند.

۱- نیازهای تولید کننده

تولید کنندگان کسانی هستند که با توجه به طرح موجود، مواد اولیه خام را به محصول تبدیل می کنند، یعنی در واقع تولید کنندگان مسئولیت اجرا و ساخت یک طرح را برعهده دارند.

با توجه به محدودیت هایی که در فرآیند تولید وجود دارد، طراح مولف است طرح نهایی خود را با معیارهای تولید و محدودیت های آن منطبق کند.

موارد حائز اهمیت از نظر تولید کنندگان شامل:

۱- موارد حائز اهمیت از نظر تولید کنندگان شامل:

- تولید (کارکردن آسان با مواد)

- دسترسی آسان به مواد (قیمت مناسب)

۲- نحوه ساخت مناسب از نظر:

- مقرون به صرفه بودن قیمت نهایی محصول

- موجود بودن تکنولوژی ساخت و تولید

- استفاده بهینه از مواد اولیه در ساخت

- استفاده از قطعات و اتصالات صحیح و پرهیز از اتصالات اضافی

- امکان تولید با تیراژ بالا به وسیله امکانات جدید

۳- نحوه مونتاژ مناسب از نظر:

- حداقل قطعات

- سادگی قطعات

- سبک بودن قطعات

- قابلیت مونتاژ با سرعت بالا

۲- نیازهای فروشنده

فروشنندگان کسانی هستند که یا از طرف تولید کنندگان برای فروش محصول انتخاب می

شوند و یا از طریق خرید از تولید کننده، محصولات را به صورت وابسته به مشتری

عرضه می کنند که نیازهای این دسته نیز بدین شرح است:

- فروش موفق محصول در بازار مورد نظر (محصول توانایی رخنه در بازارهای تعیین

شده را داشته باشد).

- تناسب قیمت فروش با سطح خریداران بازار تعیین شده باشد.

- جذابیت کالا برای بازار مورد نظر به صورتی که تعداد بیشتری از کسانی که دارای

بازار بالقوه اند، حاضر به پرداخت این مبلغ هزینه باشند.

۳- نیازهای حمل و نقل کننده

حمل و نقل در مورد این مجموعه به دو صورت انجام می گیرد:

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

۱- حمل و نقل از محل تولید به مراکز فروش که به تعداد زیاد انجام می شود:

۲- از محل فروش به منازل که به صورت تکی انجام می شود که به طور کلی نیازهای

آنها به شرح زیر است:

- داشتن بسته بندی مناسب به جهت سهولت حمل و نقل و قرارگیری محصول در

ماشین های حمل و نقل

- سبک بودن محصول

- کم حجم بودن آن

- ابعاد و اندازه مناسب و متناسب با وسیله ای که به هنگام حمل و نقل از آن استفاده می

شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: :
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/11/2012 8:42:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/11/2012 8:42:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 70
Number of Words: 10,106 (approx.)
Number of Characters: 57,609 (approx.)